



دستنامه

کارکنان نظام جمهوری اسلامی

ایران

هیأت عالی گزینش

مرکز آموزش و پژوهش

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
فصل اول: آشنایی با گزینش.....	۴
تاریخچه گزینش.....	۴
چارچوب تعیین صلاحیت در فرمان حضرت امام خمینی (رض).....	۴
اهمیت گزینش و چارچوب‌های آن از دیدگاه مقام معظم رهبری مدظله العالی.....	۵
تصویب در مجلس.....	۵
مشمولین گزینش.....	۶
ارکان گزینش کشور.....	۶
فرایند گزینش.....	۶
مراحل گزینش.....	۷
ضوابط عمومی گزینش.....	۷
ضوابط انتخاب اصلح.....	۸
مراحل تجدید نظر و نحوه رسیدگی به شکایات گزینش داوطلبان.....	۸
فصل دوم: مباحث اعتقادی.....	۹
گفتار اول: دین.....	۹
فطری بودن دین.....	۹
غبارهای فطرت.....	۱۰
اصول دین.....	۱۱
گفتار دوم: توحید.....	۱۱
ریشه های اعتقاد به خدا.....	۱۱
گفتار سوم: نبوت.....	۱۳

۱۳	لزوم بعثت پیامبران
۱۴	دلایل نیاز به انبیا
۱۵	عصمت پیامبران
۱۶	معجزه پیامبران
۱۶	گفتار چهارم : معاد
۱۷	گفتار پنجم : عدل الهی
۱۷	معنی و مفهوم عدل
۱۸	چرا شیعیان عدل را از اصول دین می دانند؟
۱۹	گفتار ششم : امامت
۱۹	امامت در آیات
۲۱	امامت در احادیث و روایات
۲۳	ستارگان آسمان ولایت و امامت
۲۳	امام زمان (عج)
۲۴	غیبت صغرا
۲۴	غیبت کبرای
۲۵	ولایت فقیه
۲۶	ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (رض)
۲۷	گفتار هفتم عفاف و حجاب
۲۷	حجاب، حکم وجوبی اسلام
۲۸	حجاب در قرآن
۲۹	نقش حکومت در حفاظت از حجاب
۲۹	فلسفه حجاب
۲۹	از دیدگاه قرآن کریم
۳۰	از دیدگاه شهید مطهری
۳۱	حجاب از دیدگاه امام خمینی (رض)
۳۲	حجاب از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف	۳۳
حجاب و امنیت اجتماعی	۳۳
رابطه‌ی حجاب و عفاف	۳۴
فصل سوم: احکام	۳۵
اهمیت تکلیف	۳۵
اهمیت یادگیری احکام شرعی	۳۶
اقسام احکام	۳۶
راه‌های عمل به احکام	۳۶
ضرورت و لزوم تقلید در احکام	۳۶
تقسیم بندی نظریات مرجع:	۳۷
شرایط مرجع	۳۷
راه‌های شناخت مجتهد جامع الشرایط	۳۷
آبها	۳۸
اقسام آب	۳۸
ویژگی‌های آب مطلق	۳۸
ویژگی‌های آب مضاف	۳۸
طهارت	۳۹
مطهرات	۳۹
نجاسات	۴۰
وضو	۴۰
.....	۴۰
اقسام وضو	۴۱
شرایط صحت وضو	۴۲
چیزهایی که باید برای انجام آن وضو گرفت	۴۲
هفت چیز وضو را باطل می‌کند	۴۲
غسل	۴۳
انواع غسل	۴۳

.....	غسلهای باطل	۴۴
.....	احکام جنابت	۴۴
.....	تیمم	۴۵
.....	نحوه انجام دادن تیمم	۴۵
.....	چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است	۴۶
.....	نماز	۴۶
.....	نمازهای واجب	۴۶
.....	لباس نمازگزار	۴۷
.....	مکان نماز	۴۸
.....	اذان و اقامه	۴۸
.....	آموزش نماز	۴۹
.....	واجبات نماز	۵۱
.....	مبطلات نماز	۵۲
.....	شکیات نماز	۵۲
.....	نماز احتیاط	۵۳
.....	طریقه انجام نماز احتیاط	۵۳
.....	سجده سهو	۵۳
.....	موارد وجوب که سجده سهو	۵۳
.....	طریقه سجده سهو	۵۴
.....	نماز مسافر	۵۴
.....	حد ترخص	۵۴
.....	مسافت شرعی	۵۴
.....	نماز جماعت	۵۵
.....	مواردی که باید نماز را به جماعت خواند	۵۵
.....	شرایط نماز جماعت	۵۵
.....	نماز آیات	۵۶
.....	موارد وجوب نماز آیات	۵۶
.....	نحوه انجام نماز آیات	۵۶

۵۷	نماز عید فطر و عید قربان
۵۷	نحوه انجام نماز عید
۵۸	نماز جمعه
۵۹	کیفیت نماز جمعه
۵۹	احکام روزه
۵۹	مبطلات روزه
۶۰	کفاره روزه
۶۰	احکام روزه مسافر
۶۱	انواع روزه
۶۱	احکام خمس
۶۲	موارد وجوب خمس
۶۲	زکات فطره
۶۲	امر به معروف ونهی از منکر
۶۳	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۶۴	احکام قرآن
۶۵	احکام پوشش
۶۶	روابط زن و مرد
۶۷	گفتگو
۶۷	نگاه
۶۷	نگاههای مجاز
۶۸	دوستی با نامحرم
۶۸	تماس بدنی با نامحرمان
۶۹	احکام فضای مجازی
۷۰	فصل چهارم: اخلاق
۷۰	تعریف اخلاق
۷۰	اهمیت اخلاق

۷۱	صفات ممتاز اخلاقی (اخلاق پسندیده اجتماعی)
۷۲	صفات اخلاقی ناپسند اجتماعی
۷۳	اخلاق در قرآن
۷۴	اخلاق در فضای مجازی
۷۴	بایدها و نبایدها اخلاقی فضای مجازی
۷۶	فصل پنجم: آگاهی سیاسی
۷۶	گفتار اول: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی
۷۶	شیوه حکومت در اسلام
۷۶	اصول کلی ساختار نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی
۷۷	ولایت فقیه عادل
۷۷	انتخاب رهبر
۷۸	شرایط و صفات رهبر
۷۸	وظایف و اختیارات رهبر
۷۹	مجلس خبرگان رهبری
۷۹	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۷۹	شورای نگهبان
۸۰	وظایف شورای نگهبان
۸۰	قوه مقننه
۸۱	اختیارات و مسؤولیت‌های مجلس شورای اسلامی
۸۱	قوه مجریه
۸۱	ریاست جمهوری
۸۱	شرایط ریاست جمهوری
۸۲	مدت دوره ریاست جمهوری
۸۲	وظایف و اختیارات رئیس جمهور
۸۲	قوه قضائیه
۸۳	نحوه انتصاب ریاست قوه
۸۳	وظایف رئیس قوه قضائیه

شورای عالی امنیت ملی ۸۳

شورای عالی انقلاب فرهنگی ۸۳

وظایف شورا ۸۴

گفتار دوم: دستاوردهای انقلاب اسلامی ۸۴

نگاهی به مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب در بیانات مقام معظم رهبری ۸۴

کتابنامه ۸۶

پیشگفتار

اسلام در کنار تعهد، به تخصص و داشتن مهارت و لزوم سپردن هر کاری به اهل فن و متخصص آن توجه داشته و تأکید کرده است کسانی که در نظام اسلامی خدمت می‌کنند، باید متخصص و به اصطلاح اهل فن باشند.

اسلام برخلاف نظام‌های کنونی غرب و مکاتب مادی که به تعهد به معنای ارزشی آن به‌ویژه تعهد در مقابل خداوند توجه ندارند و اصول شایستگی صرفاً بر پایه دانش و تخصص استوار است، در تصدی مسئولیت‌ها، تعهد و تخصص هر دو در کنار هم و همراه هم ملاحظه می‌شوند و شرط موفقیت توجه و عمل به هر دو معیار است و هر کاری باید به دست افراد نیرومند، توانا (متخصص) و امین سپرده شود تا نظام جامعه به سامان برسد؛ از این رو مهم‌ترین وجه جدایی مدیریت اسلامی با مدیریت‌های رایج در غرب، بحث تعهد و پایبندی به ارزش‌های الهی است.

قرآن کریم مسئولیت‌های واگذار شده به کارگزاران در نظام اسلامی را به منزله امانت میثاق و عهد الهی می‌داند و عمل به «میثاق» را تا آخرین لحظه اتمام مسئولیت، لازم دانسته و از خیانت در امانت و نقض عهد با خدا بازداشته و خاطرنشان ساخته اگر انسان در فنی جاهل است، باید به عالم آن فن رجوع کند؛ چنان‌که «اهل ذکر» در آیه شریفه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ^۱» که تمام زمینه‌های دینی و غیر دینی را شامل می‌شود نیز تأکیدی بر لزوم مراجعه به متخصص در هر کاری است.

در قرآن کریم درباره‌ی پیامبرانی مانند یوسف (ع) و موسی (ع) و نیز داستان طالوت و جالوت، برداشتن علم، توانمندی و تخصص برای تصدی مسئولیت، تکیه شده است. همچنین تعبیر «حفیظ» و «علیم» در آیه «إِنِّي حَفِیْظٌ عَلَیْهِ»^۲ نشان می‌دهد که علاوه بر امانت و تعهد داشتن، آگاهی و تخصص هم لازم است و تعهد به تنهایی برای پذیرش مسئولیت یک منصب حساس اجتماعی کافی نیست.

در روایات نیز پذیرش منصب و مقام در حکومت اسلامی، نوعی پذیرش عهد الهی به حساب آمده و از توان مدیریتی بالا و برخورداری از علم فراوان در زمینه معارف الهی به عنوان دو معیار اصلی برای انتخاب رهبر یاد شده است.

۱- آیه ۴۳ سوره نحل

۲- آیه ۵۵ سوره یوسف

بر همین اساس مدیران و کارگزاران وقتی مسئولیتی را می‌پذیرند، در حقیقت متعهد به انجام صادقانه و کامل آن‌اند و خود را در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌دانند. در روایات از پذیرفتن مسئولیت‌های فردی یا اجتماعی بدون مهارت لازم و تخصص کافی نهی شده است.

در سخنی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که هر کس بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از آنکه آن کار را درست انجام دهد، خراب می‌کند؛ همچنین از امام صادق (ع) روایت شده کسی که بدون بصیرت (و بی‌شناخت و دانایی) عمل می‌کند، همچون کسی است که به بیراهه می‌رود و هرچه تندتر برود از مقصود دورتر می‌شود و به موجب حدیثی از پیامبر (ص) کسی که کارگزار و مدیری را به کار گمارد، در حالی که می‌داند در میان مسلمانان فردی وجود دارد که برای آن کار شایسته‌تر و به قرآن و سنت آگاه‌تر است، قطعاً به خدا و رسول خدا (ص) و همه مؤمنان خیانت کرده است.

در نامه امام علی (ع) به فرماندار آذربایجان از مسئولیت تعبیر به امانت شده است؛ همراهی دو واژه تعهد و تخصص در روایات و منابع اسلامی، مؤید این است که باید کار به دست کسی سپرده شود که هم توانایی انجام آن را از نظر مدیریتی و اجرایی داشته باشد و هم پاسدار حقوق مردم و متعهد به آن باشد؛ از این رو قرآن در تبیین ملاک شایستگی در مدیریت، تخصص را با قید تعهد همراه کرده و این همراهی، شاهد بر این است که تعهد و تخصص، دو رکن اصلی مدیریت‌اند.

امام خمینی (رض) نیز تأکید داشتند که دولت اسلامی بدون تکیه بر تعهد و تخصص و گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلف موفق نخواهد شد و لازم است مسئولان در گزینش اشخاص، به کاردانی و تعهد آنان تکیه کنند نه بر دوستی و آشنایی و حرف‌شنوی از آنان.

مقدمه

حضرت امام خمینی (رض) در حکم حکومتی تأسیس گزینش فرمودند: «کتابچه‌های مختصری شامل بعضی از مسائل شرعی که محل اطلاع عموم است و مسائل اعتقادی که دانستن آنها در اسلام لازم است بطور ساده و بدون معماها که در این کتب و نشریات انحرافی موجود است و بعضی مسائل مناسب با شغل افراد با نظارت اشخاص مطلع از احکام اسلام و متوجه به اطراف مسائل سیاسی اجتماعی تهیه شود» در این راستا **«دستنامه کارگزاران نظام اسلامی»** به منظور تبیین انتظارات نظام از کارکنان دستگاه‌های اجرایی تدوین شده است امید است با بهره‌گیری از این دستنامه و عمل به وظایف و انتظارات تعیین شده بیش از پیش در جهت ارتقاء معنوی و سلامت نظام اداری دستگاه‌های اجرایی کوشا باشیم.

در فصل اول این مجموعه موضوع گزینش و ضوابط مربوط، به منظور آشنایی هرچه بیشتر داوطلبین و کارکنان دستگاه‌های اجرایی مطرح شده است در فصل دوم و سوم بخش کوچکی از مباحث اصول اعتقادی، عفاف و حجاب و جایگاه آن مطرح شده که همراهان گرامی با آشنایی کامل به مبانی آن بیش از پیش در رعایت جوانب شرعی و اجتماعی کوشا باشند و احکام که یک کارگزار نظام اسلامی نیاز به اطلاع و عمل به آن دارد بیان شده که در بررسی‌های گزینش نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و در فصل چهارم موضوع اخلاق و جایگاه آن در اسلام مورد بررسی قرار گرفته و به صفات ممتاز اخلاقی اشاره شده که مورد انتظار از یک کارگزار نظام اسلامی می‌باشد. در فصل پنجم با موضوع آگاهی سیاسی به ساختار نظام مقدس جمهوری اسلامی و در نهایت به دستاوردهای انقلاب اسلامی اشاره گردیده است. جهت آگاهی بیشتر مخاطبین محترم در پایان هر مبحث نام کتابی در خصوص مبحث طرح شده عنوان شده است.

این دستنامه حسب فرمان حضرت امام (رض) در اختیار کلیه معرفی شدگان به گزینش قرار می‌گیرد و علاوه بر آن در مواردی که نیاز به ارائه سیر مطالعاتی به افراد می‌باشد مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

فصل اول: آشنایی با گزینش

تاریخچه گزینش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و پی‌ریزی نظام جمهوری اسلامی ایران معیارهای گزینش کارگزاران و کارکنان اجرایی کشور از جنبه ایجابی و سلبی تغییر اساسی یافت. بر این اساس اولین مصوبه قانونی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا در شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۷ لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به تصویب رسید. همزمان نهاد گزینش کشور از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در قالب هسته‌ها و هیأت‌های گزینش با توجه به معیارهای فوق و عمدتاً^۱ در مواجهه با نفوذ افراد دارای هویت‌های سیاسی و ایدئولوژیک متعارض با ارزش‌های انقلاب اسلامی آغاز گردید.

در پانزدهم دی ماه سال ۱۳۶۱ با فرمان حکومتی حضرت امام (رض) گزینش به طور رسمی تشکیل شد.

چارچوب تعیین صلاحیت در فرمان حضرت امام خمینی (رض)

حضرت امام خمینی با درایت، در فرمان حکومتی تأسیس گزینش چارچوب‌هایی برای تعیین صلاحیت گزینش شوندگان به شرح زیر مشخص نمودند که سرلوحه کار گزینش می‌باشد:

- میزان در گزینش حال فعلی افراد است مگر آنکه از گروهک‌ها و مفسدین باشند یا حال فعلی آنها مفسده جوئی و اخلال‌گری باشد.
- هدایت جاهلان منظور نظر اصیل است.
- تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است.
- انجام گزینش بدون ملاحظه روابط باید صورت گیرد.

اهمیت گزینش و چارچوب‌های آن از دیدگاه مقام معظم رهبری مدظله العالی

- ما معتقدیم که گزینش برای دستگاه‌های دولتی و نهادها و همه دستگاه‌های عامل که از نیروی انسانی استفاده می‌کنند مثل آب خوردن لازم و واجب است.
- گزینش‌ها تقویت بشوند، منتهی تقویت گزینش‌ها از دو نظر است، هم تقویت موقعیت اداری و سیاسی، هم تقویت باطن انسانی و عارفانه و دقت و توجه لازم.
- گرایش‌ها و دیدهای گوناگون سیاسی و چه برسد به سلیقه‌ای، مطلقاً نباید «در گزینش» دخالت کند.
- در جمهوری اسلامی معیارها برای ارزش گذاشتن روی این یا آن انسان چیزهای مشخصی است هیچکس حق ندارد و نمی‌تواند این معیارها را عوض کند... این ارزش‌ها را باید حفظ کرد و رویش حساب کرد یکی از این ارزش‌ها تقوا است، یکی از ارزش‌ها ایمان است، یکی از ارزش‌ها عمل است یکی از ارزش‌ها علم است.
- به مدیران توصیه میکنم که به گزینش به چشم رقیب و مانع نگاه نکنند، به چشم بازو، وسیله کار، چشم بیننده، گوش شنونده در پیدا کردن آدم‌های کارآمد نگاه کنند.
- در جذب، صلاحیت‌ها را رعایت کنند؛ صلاحیت دینی را، صلاحیت اخلاقی را، صلاحیت سیاسی را تا جایی که ممکن است توجه کنند. جذب کنند و به معنای صحیح کلمه، گزینش کنند افراد را... یک گزینش درست و حسابی، کاملاً خردمندانه و صحیح انجام بگیرد.

تصویب در مجلس

به منظور اجرای کامل فرمان مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رض)، در راستای جذب نیروهای شایسته و صالح برای نظام اداری کشور، قانون گزینش در مورخ ۱۳۷۴/۰۶/۱۴ ابتدا با عنوان قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۷۵/۰۲/۰۹ به منظور ایجاد وحدت رویه و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و آئین نامه اجرایی قانون مذکور نیز در جلسه مشترک مورخ ۱۳۷۷/۰۵/۲۵ کمیسیون آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی مصوب و جهت اجرا به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها مؤسسات دولتی ابلاغ گردید. بر اساس بند ۲ از ماده ۱۰ قانون گزینش

بررسی و تعیین صلاحیت اخلاقی، اعتقادی و سیاسی متقاضیان در کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده واحده قانون تسری و ماده ۲ قانون گزینش تابع احکام مقرر در قانون گزینش کشور و آئین نامه اجرایی آن می‌باشد.

مشمولین گزینش

کلیه داوطلبان، اعم از متقاضیان ورود به خدمت (روزمزد، قراردادی، پیمانی، متعهد خدمت، خرید خدمت، کارگری، حق التدریس، ساعتی و عناوین مشابه)، تمدید قرارداد یا پیمان و تبدیل وضع تا استخدام قطعی یا ثابت و نیز بورسیه‌های داخل و خارج کشور، مأموریت ثابت خارج از کشور، مأمورین و منتقلین به کلیه دستگاه‌های مندرج در ماده واحده قانون تسری می‌باشند.

ارکان گزینش کشور

به استناد ماده ۳ قانون گزینش ارکان گزینش کشور عبارتند از:

- ۱- رئیس جمهور.
- ۲- هیأت عالی گزینش.
- ۳- هیأت‌های مرکزی.
- ۴- هسته‌های گزینش.

فرایند گزینش

هسته گزینش به عنوان مرجع ابتدایی تعیین صلاحیت کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با معرفی داوطلبان استخدام، مأموریت به دستگاه و... از طرف کارگزینی و یا واحدهای اداری مشابه نسبت به تشکیل پرونده گزینشی اقدام می‌نماید؛ منظور از تشکیل پرونده گزینشی تکمیل فرم مشخصات فردی و دریافت مدارک لازم می‌باشد.

در مراحل گزینش، صلاحیت اعتقادی، اخلاقی و سیاسی افراد بر اساس قانون، آیین نامه اجرای و سایر ضوابط و معیارهای حاکم بر گزینش کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد که بررسی سوابق و پیشینه افراد در محل سکونت، تحصیل و کار و همچنین استعلام از مراجع ذیصلاح و مصاحبه حضوری انجام می‌پذیرد در این بررسی‌ها، هسته گزینش بنا بر وظیفه قانونی خود افراد دارای صلاحیت را شناسایی و بعنوان واجدین شرایط به دستگاه معرفی می‌نمایند (احراز شرایط استخدام).

لازم به ذکر است علاوه بر مرحله بدو ورود در موارد تمدید قرارداد یا پیمان و تبدیل وضعیت استخدامی، اعزام به مأموریت خارج از کشور و... نیز بر اساس ضوابط بررسی‌های گزینشی لازم انجام می‌شود.

صدور رأی در هسته‌های گزینش بصورت شورایی صورت می‌گیرد به این ترتیب که سه نفر از ۵ عضو هسته گزینش، رأی خود را در خصوص پرونده مورد بررسی اعلام کرده و نتیجه نهایی، رأی اکثریت آنان می‌باشد و در صورتی که فرد واجد شرایط عمومی یا انتخاب اصلح شناخته نشود و درخواست تجدید نظر نماید پرونده در هسته گزینش طرح و توسط سه نفر از اعضا (که دو نفر آنان قبلاً در مورد پرونده فرد صدور رأی نکرده‌اند) مورد بررسی مجدد و صدور رأی قرار می‌گیرد.

مراحل گزینش



ضوابط عمومی گزینش

ضوابط عمومی، حداقل ضوابطی است که فرد متقاضی جهت استخدام می‌بایست حائز آن باشد.

۱- اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲- التزام عملی به احکام اسلام؛

۳- اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی؛

۴- عدم اشتغال به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق؛

۵- عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می‌شود؛ مگر آنکه توبه ایشان احراز شود.

۶- عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر؛

۷- عدم اعتیاد به مواد مخدر؛

تبصره ۱- در خصوص بند ۳ اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از نظر اعتقادی و عملی، با رعایت قوانین و

مقررات مربوطه تابع شرایط خاص خود می‌باشند و در هر حال نباید متجاهر به نقض احکام اسلامی باشند.

تبصره ۲ - ایثارگران در گزینش دارای اولویت می‌باشند و در موارد محدودیت ظرفیت و کثرت تقاضا، ملاک‌های تقدم (مانند مناطق محروم، فعالیت در نهادهای انقلاب، شرکت در نماز جمعه و جماعات، پوشش چادر برای خواهران) نیز نسبت به داوطلبان اعمال می‌گردد.

تبصره ۳ - تشخیص بند ۵ ضوابط عمومی به عهده وزارت اطلاعات و در سایر موارد به عهده هیأت عالی گزینش می‌باشد.

ضوابط انتخاب اصلح

در موارد کثرت تقاضا (اشتغال، تحصیل، و...) و محدودیت ظرفیت و یا در مشاغل حساس و موارد خاص علاوه بر اعمال شرایط عمومی، ملاک‌های زیر نیز در مورد داوطلبان اعمال می‌گردد.

موضع گیری نسبت به ولایت فقیه، فعالیت داوطلبانه در نهادهای انقلابی، فعالیت‌های مذهبی، شرکت در نماز جمعه و جماعات، شرکت در راهپیمایی و انتخابات، پوشش چادر برای خواهران، تقید به رعایت پوشش اسلامی، تقید به انتخاب دوستان مناسب، کسب رتبه‌های علمی، مذهبی، فرهنگی و...، مناطق محروم.

مراحل تجدید نظر و نحوه رسیدگی به شکایات گزینش داوطلبان

بر اساس ماده ۱۴ قانون، افرادی که در مراحل گزینش واجد شرایط عمومی یا انتخاب اصلح تشخیص داده نشوند در صورت اعتراض می‌توانند تقاضای کتبی خود را حداکثر تا دو ماه در هر مرحله پس از دریافت حکم به مرجع تجدیدنظر کننده (اول، دوم) تحویل دهند و در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر رأی صادره قطعی و لازم الاجرا است.

- مرحله اول تجدید نظر توسط هسته گزینش (حداقل با دو نفر جدید) و مرحله دوم آن توسط هیأت مرکزی صورت می‌گیرد.

- معترضین به آراء هیأت مرکزی و هسته‌ها حداکثر تا سه ماه از ابلاغ رأی می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت نمایند و دیوان نسبت به رسیدگی اقدام می‌نماید.

هیأت عالی گزینش نسبت به هر مورد از احکام صادره و هرگونه تخلف اعم از مسامحه کاری، تندروی، اعمال تبعیض و انجام امور خلاف شرع رسیدگی نموده و پس از اصلاح یا ابطال آراء، هیأت صادرکننده رأی را ملزم به اجرای رأی جدید، برخورد با متخلف، ترمیم و یا انحلال واحد گزینش و یا ارجاع به مراجع ذیربط نموده و در غیر اینصورت رأساً اقدام می‌نماید.

فصل دوم: مباحث اعتقادی

گفتار اول: دین

دین مرکب است از مجموعه معارف نظری و عقیدتی، احکام و قوانین عملی و دستورات اخلاقی، در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، سازگار با عقل و فطرت انسانی، که از سوی خداوند یکتا توسط پیامبران برای هدایت همه جانبه مادی و معنوی بشر فرستاده شد و در صورت پیاده شدن به طور کامل، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی انسان را تأمین می‌کند.

فطری بودن دین

مایه‌ها و ریشه‌های دین در نهاد هر بشری نهفته است. اصول و فروع دین، اخلاق و معارف و مبانی دین با خلقت و فطرت انسان هماهنگ است. انسان‌ها در هر سن و سالی که باشند و در هر زمان و مکانی که زندگی کنند، می‌خواهند بدانند سرچشمه هستی کجاست؟ این، همان ریشه توحید است. انسان می‌خواهد کسی او را راهنمایی کند، حق و باطل را برای او بگوید، او در درون احساس می‌کند به راهنما نیاز دارد، و این ریشه نبوت و امامت است. پاداش دادن و کیفر کردن، همچنین انتظار پاداش و کیفر در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها در درون هر انسانی وجود دارد. اگر شما گلی به کودکی دادید، لبخند می‌زند و اگر او را اذیت کردید، اخم می‌کند و می‌گریزد. آن لبخند و این اخم، پاداش و کیفر عمل شماست و این عکس العمل فطری، ریشه اعتقاد به معاد است. تشکر از ولی نعمت و اظهار خضوع در مقابل کسی که به انسان خدمتی کرده، ریشه عبادات و نماز است. توجه به محرومان و مستمندان و علاقه به رفع مشکلات هموعان، ریشه خمس و زکات و انفاق است. توجه به نجات یک انسان گرفتار و کسی که در خطر است و علاقه به سعادت دیگران ریشه امر به معروف و نهی از منکر است.

غبارهای فطرت

فطرت، گاهی کاملاً آشکار و گاهی غبار آلود است. در اینجا مناسب است از چیزهایی که مانع درخشش فطرت است و چون تکه ای ابر و یا توده ای غبار روی امور فطری را می پوشاند نام ببریم.

۱ - تقلید کورکورانه از دیگران.

۲ - رفاه گرایی و غوطه ور شدن در مادیات.

۳ - تأثیرپذیری از محیط. حضرت موسی علیه السلام به اتفاق قوم خود که خداپرست بودند، وارد منطقه ای شد که مردم آن بت می پرستیدند، همین که نگاه قوم موسی به آنها و بت هایشان افتاد، به حضرت گفتند: برای ما نیز خدایی از بت قرار ده «اجعل لنا الهام کما لهم آله»^۱

۴ - رفیق بد. چه بسا فردی خودش، خوب و بد را می فهمد و می داند، اما رفیق بد، او را منحرف می سازد. قرآن می فرماید: انسان گمراه در روز قیامت می گوید «یا ویلّی لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً. لقد اضلّنی عن الذّکر»^۲ ای کاش فلانی را دوست نگرفته بودم، او مرا از یاد خدا غافل و منحرف ساخت.

۵ - تبلیغات سوء. ممکن است با تبلیغات مسموم، کارهای پسندیده، ناپسند و امور ناپسند، پسندیده جلوه داده شود. مانند تبلیغات فرعون مبنی بر خدایی خویش «أنا ربّکم الاعلی»^۳ که مورد پذیرش قوم او قرار گرفت.

۶ - تهدید و ایجاد ترس و دلهره از سوی مخالفان دین.

۷ - خود باختگی در برابر افکار و عقاید دیگر مکاتب.

۸ - پیروی از هنرمندان منحرف. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای مناجات و دریافت وحی به کوه طور عزیمت فرمود، سامری که یک هنرمند بود از این فرصت استفاده کرد و با ساخت گوساله ای، مردم را گوساله پرست نمود. «فاخرج لهم عجلاً جسداً له خوار»^۴.

۹ - اکثریت گرایی. گاهی انسان خود می داند مطلبی باطل و نارواست، اما به خاطر اینکه اکثریت آن را می پسندند، بر اساس «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو» از جامعه پیروی و تبعیت می کند.

۱۰ - وسوسه های شیطانی.

۱۱ - تمسخر شنیدن. گاهی انسان به خاطر احتراز از تمسخر دیگران، از بیان دریافت های صحیح خود دست بر می دارد.

۱۲ - هوا و هوس، تمایلات نفسانی و پیروی از غرائز، از بروز امور فطری جلوگیری می کند.

۱ - سوره اعراف، آیه ۱۳۸

۲ - سوره فرقان، آیه ۲۹ و ۳۰

۳ - سوره نازعات، آیه ۲۴

۴ - سوره طه، آیه ۸۸

اصول دین

اصول دین باورهای پایه دین اسلام است که شرط مسلمان بودن اعتقاد به آن است. اصول دین اسلام شامل سه اصل توحید، نبوت و معاد است. همه مذاهب اسلامی این سه اصل را قبول دارند؛ اما اصول دیگری هم دارند که آنها را از دیگر مذاهب جدا می‌کند. اصول مذهب شیعه علاوه بر اصول سه‌گانه فوق، شامل امامت و عدل نیز می‌شود.

گفتار دوم: توحید

توحید: به معنای ایمان و یگانگی خداوند است. توحید سر سلسله تمام عقاید دینی است لذا پرداختن به آن لازم و ضروری است

ریشه های اعتقاد به خدا

عقل

عقل به ما می‌گوید: هر اثری یک مؤثری دارد و این حکم به قدری روشن است که اگر شما بسیار آرام به صورت نوزادی بدمید، او چشم باز می‌کند، به اطراف می‌نگرد و به دنبال مؤثر می‌گردد و چنین می‌فهمد که این دمیدن از یک سرچشمه‌ای به وجود آمده است. آری مسأله «از اثر پی به مؤثر بردن»، از روشن ترین مسایل روزمره زندگی ماست. چگونه می‌توان باور کرد که مثلاً تصویر یک خروس یا طاووس به عکاس یا نقاش نیاز دارد، ولی خود خروس و طاووس به خالق و طراح نیاز نداشته باشد؟! چگونه عقل را قانع کنیم که یک دوربین عکاسی سازنده دارد، لکن چشم انسان سازنده با شعوری ندارد؟ در صورتی که عکس برداری چشم به مراتب مهم تر از عکس برداری دوربین است، زیرا دوربین هر چندبار که عکس گرفت باید فیلم آن را عوض کنیم و یا حافظه آن را خالی کنیم، ولی چشم دائماً در حال عکس برداری است.

چگونه عقل قبول کند دستگاه پالایش نفت، سازنده داشته باشد، اما دستگاه گوارش انسان، سازنده نداشته باشد؟ چگونه بپذیریم که نظم در رفتار یک فرد، دلیل بر وجود شعور در اوست، ولی نظم در جهان هستی، دلیل بر وجود شعور در خالق آن نباشد؟

کوتاه سخن این که اگر یکی از نشانه های بهترین جهان بینی آن است که با پذیرفتن عقل توأم باشد عقل ما در برخورد با نظم و حساب دقیق، برای جهان هستی قدرت با شعوری را می‌پذیرد و مطالعه در هستی ما را به یک بینش الهی سوق می‌دهد.

فطرت

از هر انسانی، در هر زمان و مکانی پرسیم که شما در جهان هستی چه احساسی دارید؟ آیا احساس می‌کنید مستقل هستید یا در خود احساس وابستگی دارید؟ کسی نیست که بگوید: من احساس می‌کنم در این جهان، مستقل هستم، همه و همه در خود این احساس وابستگی را دارند، لکن این احساس صادقانه دو گونه اشباع می‌شود: اشباع صادق و اشباع کاذب. نظیر طفلی که احساس گرسنگی می‌کند؛ این احساس صادق، گاهی با مکیدن سینه پرشیر مادر صادقانه اشباع می‌شود و گاهی با مکیدن پستانک خشک، به صورت کاذب اشباع می‌شود. در انسان هم اصل احساس وابستگی، یک واقعیت و حقیقتی است لکن وابسته به چه چیزی؟

۱ - به قدرت خدا؟

۲ - به قدرت طبیعت؟

خود طبیعت هم وابسته به صدها شرط است، پس باید به قدرتی وابسته باشیم که او دیگر همچون ما وابسته نباشد.

کار انبیا این است که نگذارند احساسات لطیف انسان‌ها به طور کاذب اشباع شود، نظیر کار مادر و سرپرستی که نمی‌گذارد طفل، به خاطر گرسنگی از هر غذایی استفاده کند. نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که افرادی که تحت رهبری انبیا قرار نگرفته‌اند به چه خرافاتی گرفتار شده‌اند.

آیا بندگی خدا، مخالف آزادی انسان‌ها نیست؟

گاهی تصور می‌شود که اگر انبیا و مذاهب آسمانی، ما را به عبادت خدا دعوت می‌کنند، این با آزادی انسان مخالف است، اما باید توجه داشت که انسان به صورتی آفریده شده که نمی‌تواند بدون عشق و پرستش و انس و امید زندگی کند، احساس علاقه و پرستش در او نهفته است و اگر این احساس با رهبری انبیا هدایت نشود از پرستش بت‌ها و اجرام آسمانی و یا پرستش انسان‌ها و طاغوت‌ها سر در می‌آورد.

بنابراین، عبودیت و بندگی خدا یک اشباع صادقی است که جلوی اشباع‌های کاذب را می‌گیرد و مسیر عشق و پرستش را از انحراف نجات می‌دهد.

خلاصه این که جهان بینی الهی و ایمان به خدا ریشه فطری دارد. یعنی در همه انسان‌ها نوعی احساس وابستگی به قدرتی بی‌نهایت موجود است، گرچه گاهی در تشخیص آن قدرت بی‌نهایت - که آیا قدرت الهی است یا قدرت طبیعی - دچار لغزش می‌شوند.

اما به هر حال، اصل احساس وابستگی هست، بنابراین توحید که تمام جهان هستی را به قدرتی بی‌نهایت و با شعور وابسته می‌داند، با فطرت انسانی که خود را وابسته می‌داند هماهنگ است.

گفتار سوم: نبوت

اصل دوم از اصول دین و مذهب، اعتقاد به پیامبری پیامبرانی است که از سوی خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آمدند. طبق بعضی از روایات تعداد پیامبران ۱۲۴ هزار نفر می‌باشد. اولین ایشان حضرت آدم و آخرین آن حضرت محمد بن عبدالله صل الله علیه و آله و سلم است که پس از او پیامبری دیگر نیامده و نخواهد آمد.

لزوم بعثت پیامبران

در جهان بینی الهی نیاز انسان به پیامبر، ضرورتی است که قابل تردید نیست. اگر جهان هستی هدفی دارد و در مسیر خود خط صحیحی را دنبال می‌کند، چگونه بپذیریم که انسان - این جانشین خدا و این گل سرسبد موجودات که تنها موجود انتخابگر و صاحب اراده است - بدون راه و راهنما در جهان هستی متحیر بماند و به حال خود رها شود و هیچ طرح و برنامه‌ای برای حرکت صحیح او ترسیم نشود و هیچ رهبری او را هدایت نکند؟ باید برای انسان هم که جزئی از عالم است راهی روشن و دور از هرگونه خطا و انحراف وجود داشته باشد و اگر نباشد او وصله ناهمرنگ هستی خواهد بود.

اگر برای آفرینش انسان هدفی وجود دارد و باید انسان به سعادت ابدی برسد، بدون داشتن طرحی کامل و جامع، این هدف عملی نیست و انبیا برای تبیین چنین طرحی آمده‌اند.

اگر انسان خطاکار است، هشدار دهنده می‌خواهد و انبیا همان منذران و هشدار دهندگانند.

اگر انسان مسئول است و باید در پیشگاه عدل الهی پاسخگو باشد، ضروری است که بیان کننده‌ای هم برای احکام و مسئولیت‌ها وجود داشته باشد و پیامبران الهی برای این امر آمده‌اند.

اگر لازم است که انسان خود را بسازد، باید الگو و مدل داشته باشد و انبیا الگوی انسان کاملند.

اگر انسان باید برای آینده خود فکر کند، باید کسی هم باشد که آینده را برای او تشریح کند.

در این نوع تفسیر و بینش است که نقش انبیا برای کاروان انسانیت روشن می‌شود و چنین بینشی تنها در جهان بینی الهی است.

دلایل نیاز به انبیا

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان دلایل نیاز به انبیا را این گونه بر شمرد:

۱ - هدفدار بودن هستی

در جهان بینی الهی، هستی هدفدار است و انسان جزئی از هستی است و هستی برای او آفریده شده و در اختیارش قرار گرفته است.

بنابراین او نمی‌تواند یله و رها باشد. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری؛ به عبارتی دیگر: نمی‌توان پذیرفت که تمام هستی هدف دارد، ولی انسان که هستی برای او آفریده شده، بی هدف است.

فرض کنید تمامی امکانات برای راه اندازی مدرسه‌ای فراهم شده است؛ مدرسه‌ای با تجهیزات کامل از جمله کلاس، آزمایشگاه، کتابخانه، امکانات آموزشی و کمک آموزشی و... که دانش آموزان نیز در کلاس حاضرند، اما معلمی در کار نیست و یا اتاق عملی را تصور کنید، کاملاً مجهز، بیمار نیز آماده، ولی دکتر جراحی در میان نیست، معنای این کار چیست؟ یعنی هیچ؛ یعنی کاری بیهوده و عبث.

۲ - حرکت هستی

خداوندی که حرکت هستی را بدون ابهام و تردید قرارداد، بر مبنا و مقتضای عدل خود، انسان را متحیر رها نمی‌کند.

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: کلّ هستی یک حرکت بدون شک دارد، بدین معنا که تمامی موجودات در راه رشد خود شک و تردیدی ندارند، اشتباه نمی‌کنند و در نهایت به رشد و کمال می‌رسند. در این صورت آیا صحیح و قابل قبول است که انسان گیج و متحیر باشد؟

بی شک، انسان نیز باید یک راه بدون تزلزل در پیش رو داشته باشد که با پیمودن آن به کمال برسد و لازم است این راه را خدای حکیم و عادل - همانگونه که در اختیار تمامی موجودات قرار داده است - در اختیار انسان نیز قرار دهد و او را از سر در گمی نجات دهد، ولی تفاوتی که انسان با سایر موجودات دارد این است که انسان می‌تواند این راه رشد و کمال را پیماید و می‌تواند رها کند.

۳ - لطف خداوند

بر مبنای قاعده لطف، بر خداوند لازم است بندگان را هدایت کند و راه سعادت را به آنها نشان دهد و نزول کتاب‌های آسمانی و فرستادن پیامبران، این لطف است. که از سوی خداوند شامل حال بندگان می‌شود. چنانکه در قرآن می‌فرماید: «انّ علینا للهدی»^۱ هدایت مردم بر عهده ماست. خداوندی که می‌داند در مسیر حرکت انسان،

^۱ - سورة لیل، آیه ۱۲

انواع راه‌های منحرف وجود دارد و شیطان‌ها کمین کرده‌اند و هوس‌ها و غرائز، هر انسانی را به سمت و سویی می‌کشاند و او را از راه راست منحرف می‌سازند، آیا ممکن است او را بدون راهنما رها کند؟ آیا رها کردن انسانی که راه را نمی‌داند، از خداوند رحمان و رحیمی که این همه به بندگان خود لطف دارد، شایسته است؟

بدیهی است که اگر خدای متعال پیامبری نفرستد، انسان راه و مسیر و هدف را گم می‌کند. خداوند خود نیز در قرآن یکی از دلایل ارسال پیامبران را راهنمایی انسان‌ها و اتمام حجت بر آنها دانسته است. آنجا که می‌فرماید «لولا ارسلت الینار سولاً لَفَتَّبِعَ آیاتک من قبل أن نذلل ونخزی»^۱ و در جای دیگری می‌فرماید «لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل»^۲

به عبارتی دیگر اگر خداوند پیامبرانی را برای راهنمایی انسان‌ها نفرستاده بود، آنان می‌توانستند مدعی شوند که خدایا! ما برای آمدن به سوی تو، نه نقشه‌ای داشتیم و نه راهنمایی. مسیر هم طولانی و پر مشقت بود. دشمنان نیز فراوان و از درون و برون در کمین ما نشسته بودند، خدایا! چگونه می‌توانستیم به سوی تو بیاییم و در راه تو قدم برداریم؟

۴ - جهل انسان

یکی دیگر از دلایل نیاز به انبیا جهل انسان است. انسان جاهل است و جاهل نیاز به معلم و راهنما دارد. بدون تردید اطلاع و آگاهی انسان از خود و جهان آفرینش بسیار اندک و مجهولات او بی شمار است. بشر به معلم نیاز دارد تا از مجهولات خود بکاهد و بر معلوماتش بیافزاید.

ممکن است مطرح شود که خود انسان به مرور زمان مطالب را می‌فهمد و به راهنما و پیامبر نیازی ندارد، در پاسخ باید گفت: هر چند انسان به مرور زمان چیزهای اندکی را می‌فهمد، اما این کافی نیست؛ دقت در آیه ذیل حقیقت ارزنده‌ای را برای ما روشن می‌سازد؛ خداوند می‌فرماید «ويعلمکم ما لکم من نوا تعامون»^۳ چیزهایی را که نمی‌توانستید بفهمید و درک کنید خداوند به شما می‌آموزد. این آیه نمی‌فرماید: چیزهایی را که نمی‌دانستید به شما می‌آموزد؛ بلکه به این نکته عنایت دارد که چیزهایی وجود دارد که شما نمی‌توانید بفهمید و درک کنید!

عصمت پیامبران

هدف از آمدن پیامبران رهبری مردم است و بی‌گمان اگر خود رهبر آلوده به گناه و کارهای ناپسند باشد نمی‌تواند مردم را به پاکی و پاکدامنی رهبری کند اگر پیامبران الهی از خطا و اشتباه دور نباشند، مردم هیچ گاه گفته آنان را با اطمینان نمی‌پذیرند. پس پیروی از آنان به طور صحیح صورت نمی‌گیرد و هدف از آمدن‌شان

۱ - سوره طه، آیه ۱۳۴

۲ - سوره نساء، آیه ۱۶۵

۳ - سوره بقره، آیه ۱۵۱

عملی نمی‌گردد. یکی از ویژگی‌های انبیاء عصمت است. عصمت یعنی در اثر ایمان و شناخت و یقین کامل، انسان دارای روحی شود که با کمال آزادی و آگاهی هرگز پیرامون گناه نگردد، بلکه در اندیشه گناه هم نباشد.

معجزه پیامبران

انسانی که فطرت سالم داشته باشد، هیچ ادعایی را بدون دلیل نمی‌پذیرد. لذا لازم است همه پیامبران الهی برای ثابت نمودن ادعای خود، دلیل و شاهد داشته باشند. کسی که می‌گوید من از سوی خدا مأمور هدایت شما هستم و با خدای هستی و با قدرت و علم بی‌نهایت رابطه دارم، باید کاری کند که از عهده دیگران بر نیاید و بدین وسیله گفته خود را ثابت کند که او به راستی پیوند محکمی با عالم دیگر دارد. معجزه باید با کار و فکر و ذوق مردم زمان هر پیامبر تناسب داشته باشد حضرت موسی علیه السلام چون در زمانی قرار داشت که بازار سحر و جادو گرم بود معجزه اش نیز اژدها شدن عصا بود.

حضرت عیسی علیه السلام چون در زمانی می‌زیست که مسأله طبابت و معالجه بیماری‌ها بسیار مورد توجه بود، به فرمان خدا مرده را زنده می‌کرد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را می‌بینیم که چون در زمانی مبعوث می‌شود که شعر و شاعری در اوج است، معجزه رسمی او هم از سنخ سخن است. این از یک سو؛ از سوی دیگر دین جاوید و جهانی به معجزه‌ای دائمی نیاز دارد و قرآن، معجزه پایدار پیامبر اسلام است که با رفتن پیامبر از میان نرفته و همواره باقی است.

گفتار چهارم: معاد

گر چه گوشمالی‌ها و کیفرهای موقت در دنیا عامل هوشیاری و توجه و زنگ بیدار باش است، اما اگر بطور کلی در دنیا هر گناهکاری به کیفر برسد کم لطفی است، زیرا شاید این گناهکار توبه کند و خلافتکاری خود را اصلاح نماید و حقی که کتمان کرده افشا نماید؛ ما نمونه‌هایی از گناهکاران را دیده یا شنیده‌ایم که توبه کرده و دست از گناه برداشته اند؟ و حتی جنایتکارانی در آخرین فرصت‌ها و نزدیک مرگ تغییر مسیر داده‌اند، بنابراین آیا بهتر نیست انسان ضعیفی که اسیر شهوت‌ها و هوس‌ها می‌باشد و در دام شیطان‌ها قرار گرفته است تا پایان عمر به او مهلت داده شود تا شاید با یک جرعه عوض شود، گرچه بعضی از این مهلت الهی سوء استفاده کنند و به ظلم و گناه خود ادامه دهند، لیکن در جمع به نفع انسان است. بنابراین لطف خدا اقتضا دارد که انسان در دنیا کیفر نشود و تا هنگام مرگ به او مهلت توبه و جبران خطاها داده شود.

در قرآن آیات فراوانی است که می‌فرماید: ما در آفرینش نه اهل بازی و لعب هستیم و نه بی‌هدف و باطل کاری می‌کنیم و نه هدف‌های سطحی و ساده و سرگرمی در کار است، بلکه آفرینش طبق حق و برای رشد و آزمایش انسان‌ها بر مبنای قوانین و سنت‌ها پایه‌ریزی شده و هدف از آفرینش، شناخت، عبادت و انتخاب راه خدا از میان

صدها راه غیر الهی است و دیر یا زود راه شما به سوی خدا پایان می‌یابد «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۱ و این دنیا مزرعه‌ای است که در قیامت حاصل آن درو می‌شود و عمل هر انسانی از مرد و زن پاداش داده می‌شود «وَلْتَجْزِ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ»^۲؛ و انسان در گرو عمل خویش است «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»^۳ خداوند عادل است و عمل افراد را بدون پاداش و جزا نخواهد گذاشت و به اقتضای عدالت و حکمت خدا باید جهان دیگری باشد که نیکوکاران، پاداش نیکوکاری و بدکاران کیفر بدکاری خود را ببینند، و این «جهان دیگر» همان رستاخیز و معاد است که در همه ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام رکن اساسی و یکی از اصول معرفی شده است.

گفتار پنجم: عدل الهی

معنی و مفهوم عدل

واژه عدل در لغت در مقابل ظلم و جور آمده و به معنای قراردادن هر چیز در جای خود و یا انجام دادن هر کاری به نحو شایسته است. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید «العدل یضع الامور مواضعها»^۴ عدل است که هر امری را در جایگاه خودش قرار می‌دهد.

اینکه می‌گوییم خداوند عادل است، یعنی هم در نظام تکوین و طبیعت هر چیزی را تحت نظامی خاص و مناسب آفریده است «قامت السموات والارض بالعدل»^۵ و هم در عالم قانون گذاری و تشریع، تمام قوانین او عادلانه و به جا و با هدف خلقت هماهنگ بوده و هیچ گونه تبعیض و تفاوت ناروایی در آن قرار نداده است. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید «وارتفع عن ظلم عباده وقام بالقسط فی خلقه وعدل علیهم فی حکمه»^۶ خداوند از ستم بر بندگان خود منزه است و درباره آفریدگان خود به عدل رفتار می‌کند و در مورد آنان به عدل حکم می‌کند. بنابراین مقتضای عدل الهی این است که خداوند هر انسانی را به اندازه استعدادش مورد تکلیف قرار دهد «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»^۷ و سپس با توجه به توانایی و تلاش اختیاری وی درباره او قضاوت کند «وقضی بینهم بالقسط وهم لا یظلمون»^۸، و سرانجام پاداش یا کیفری در خور کارهایش به او عطا فرماید. «فالیوم لا تظلم نفس شیئاً ولا تجزون الا ما کنتم تعملون»^۹.

۱ - سوره بقره، آیه ۱۵۶

۲ - سوره جاثیه، آیه ۲۲

۳ - سوره مدثر، آیه ۳۸

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷

۵ - تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ الرحمن

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵

۷ - سوره بقره، آیه ۲۸۶

۸ - سوره یونس، آیه ۵۴

۹ - سوره یس، آیه ۵۴

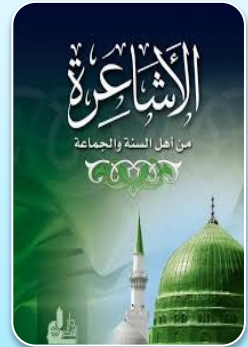
چرا شیعیان عدل را از اصول دین می‌دانند؟

با اینکه خدا صفات زیادی دارد - از قبیل رحمت، حکمت، قدرت، خالقیت، علم و... چرا تنها عدل از اصول دین شمرده شده است؟ این انتخاب، هم ریشه سیاسی دارد و هم ریشه تاریخی.

ریشه سیاسی آن به دوران بنی امیه و بنی عباس برمی‌گردد، آنها برای آن که با اعتراضات و شورش‌های مردمی مواجه نشوند، این گونه تبلیغ می‌کردند که همه چیز به خواست خداست و کسی حق ندارد در برابر اراده خدا حرفی بزند. اگر ما حاکم شده‌ایم به خواست خدا بوده و کسی حق اعتراض ندارد، زیرا آنچه بر جهان حاکم است جبر است و انسان هیچ اختیاری ندارد و این جبر مورد رضایت خداست و چون رضای خدا در آن است پس هرکاری که او انجام دهد عدل است.



ریشه تاریخی آن به قرون اولیه اسلام بر می‌گردد. آن گاه که گروه کوچکی از مسلمانان - فرقه اشعری - عادل بودن خدا را لازم نمی‌دانستند و می‌گفتند: هر کاری که خدا خواست و انجام داد همان درست است، گرچه از نظر عقل از کارهایی باشد که مسلماً قبیح و زشت و ستم محسوب شود! مثلاً می‌گفتند: اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را به دوزخ و قاتل او - ابن ملجم - را به بهشت ببرد مانعی ندارد. ولی ما این منطق را نمی‌پذیریم و طبق منطق عقل و آیات قرآن می‌گوییم تمام کارهای خدا حکیمانه است و هرگز کاری که ظلم و قبیح باشد از او سر نمی‌زند.



البته خدا بر هر کاری قدرت دارد، اما کار خلاف حکمت نمی‌کند؛ چنانکه ما قدرت داریم چشم خود را کور کنیم ولی چنین نمی‌کنیم چون این عمل، حکیمانه نیست، پس استفاده از قدرت مربوط به آن است که عمل با عدل و حکمت و وعده‌های قبلی هماهنگ باشد. خدایی که وعده داده است مؤمنان را به بهشت و فاسقان را به دوزخ ببرد اکنون اگر خلاف کند، خلف وعده می‌شود و این عمل، قبیح است و هرگز خداوند کار زشت نمی‌کند. ما که می‌گوییم: خدا ظلم نمی‌کند قدرت او را محدود نکرده‌ایم بلکه این حکمت است که موجب می‌شود قدرت در جای مناسب به کار گرفته شود.

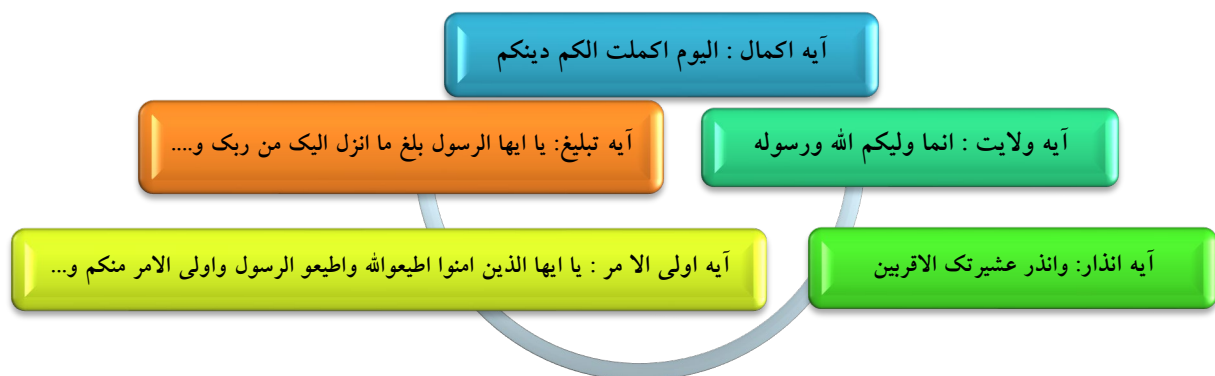
گفتار ششم: امامت

اصل چهارم از اصول دین و مذهب «امامت» است. در روایات متعدد یکی از امور زیر بنایی و اساسی اسلام، امامت و ولایت معرفی شده است، چنانکه در کتاب وسائل الشیعه، ۳۹ حدیث و در کتاب مستدرک الوسائل، ۱۷ حدیث آمده که می‌فرماید: بنا و اساس اسلام بر چند موضوع استوار است و ولایت و رهبری را از اساسی‌ترین آنها می‌داند، البتّه شکی نیست که مراد از «ولایت» اطاعت از امام معصوم است، چنانکه در بعضی روایات به جای کلمه «ولایت» اطاعت از امام آمده است. علاوه بر اینکه هر یک از نماز و روزه و حج و زکات به خاطر نبود امکانات مالی و بدنی قابل تغییر است، اما مسئله ولایت و رهبری در هر حال ثابت و بدون تغییر است.

پیامبر اکرم علاوه بر اینکه حاکم و فرمانروای مسلمانان بود، آموزگار الهی بود و حقایق را برای مردم بیان می‌کرد. پس از درگذشت پیامبر برای آموزش حقایق و تشریح مفاهیم مذهبی و بیان آن باید کسی انتخاب می‌شد تا عالم اسلام با خلل و کمبودی مواجه نشود، از این رو لازم است امام در مقام جانشینی پیامبر زمام امور را به دست گیرد تا همه نیازمندی‌های مردم از نظر مسائل مذهبی و عقیدتی برطرف گردد.

زندگی اجتماعی بدون وجود رهبری که گفتار و فرمان او نافذ باشد، امکان ندارد. پس از درگذشت پیامبر، برای اینکه کار رهبری و حکومت مسلمانان از حرکت باز نایستد، جانشین ایشان باید زمام امور را به دست گیرد و هدف پیامبر، که گسترش آیین توحید در سراسر جهان است را تعقیب کند و مردم را به کمال مطلوب برساند؛ در غیر اینصورت زحمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از بین می‌رود و مسلمانان از کاروان تکامل باز می‌مانند.

امامت در آیات



۱- آیه انداز: نزدیک سه سال از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بود که این آیه نازل شد «وانذر عشیرتک الاقربین»^۱ خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان. روزی که خدای متعال رسول اکرم را مأمور نمود خویشاوندان نزدیک خود را دعوت کند رسول خدا فرزندان عبدالمطلب را، که چهل نفر بودند، دعوت کرد تا رسالت خود را به آنان ابلاغ نماید. آن روز ابولهب عموی پیامبر با سخنان بی اساس، مجلس را به هم زد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مجلس دیگری تشکیل داد و دعوت خود را اعلام کرد و فرمود: «من از طرف خدا به پیامبری برانگیخته شده‌ام و خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام و خدا به من دستور داده است که شما را به سوی او بخوانم...» آنگاه فرمود: «کدام یک از شما حاضر است از من پشتیبانی کند تا برادر و وصی و جانشین من باشد؟»

علی علیه السلام برخاست و آمادگی خود را اظهار کرد. پیامبر او را نشاند و گفتار خود را سه بار تکرار کرد. هر سه بار جز علی علیه السلام کسی به او پاسخ مثبت نداد. در این هنگام آن حضرت رو به حاضران کرد و گفت: «ان هذا اخی ووصی و خلیفتی فیکم»^۲؛ این جوان برادر و وصی و جانشین من در میان شما است. این جریان از نظر تاریخ و روایات سنی و شیعه جای هیچگونه تردیدی ندارد و به خوبی می‌رساند که مسئله نبوت و امامت از هم جدا نیستند و روزی که پیامبر خدا به مردم معرفی می‌شود، همان روز امام و پیشوای پس از او نیز به مردم معرفی می‌گردد، و این دو مقام، مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل‌اند و امامت همان ادامه برنامه رسالت است و امام و جانشین پیامبر، همان برنامه را تعقیب می‌کند که پیامبر آن را دنبال می‌کرده است. چیزی که هست پیامبر، پایه گذار دین و امام، بیان کننده آن است.

۲- آیه تبلیغ: «یا ایها الرسول بَلِّغْ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بَلَّغْتَ رسالتہ واللہ یعصمک من الناس واللہ لایهدی القوم الکافرین»^۳ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را انجام نداده‌ای (و رسالت تو بی سرانجام است) و بدان که خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می‌کند و خداوند کافران را هدایت نمی‌کند.

از آنجا که سوره مائده آخرین سوره‌ای است که در اواخر عمر شریف پیامبر نازل شده و با توجه به اینکه نحوه ابلاغ (جمع کردن تمام کاروانیان در گرمای سوزان مکه) و محل و زمان این دستور نیز منحصر به فرد است، از همه این مسائل، معلوم می‌شود پیامی را که پیامبر باید برساند درباره موضوعی بسیار مهم است که پیامبر صلی الله علیه و آله از پیامدهای آن و کارشکنی منافقان هراس دارد و آن مسئله جانشینی رسول خدا می‌باشد.

۱ - آیه ۲۱۴ سوره شعرا

۲ - حدیث یوم‌الدار

۳ - آیه ۶۷ سوره مائده

چنانکه عدّه بسیار زیادی از اصحاب رسول خدا که مورد قبول همه مسلمانان هستند نیز این ماجرا را نقل کرده و گفته اند که آیه درباره ماجرای غدیر خم و مسئله جانشینی پیامبر است.

امامت در احادیث و روایات

۱- حدیث امام باقر

امام باقر علیه السلام می فرماید «بنی الاسلام علی خمسہ اشیاء: علی الصلاه والزکاه والحج والصوم والولایه»^۱ بنای اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زراره که از شاگردان بزرگوار امام بود، می پرسد: کدام یک از این امور مهم تر است؟ امام می فرماید: ولایت از همه مهم تر است و سپس چنین توضیح می فرماید: «لأنّهم مفتاحهنّ والوالی هو الدلیل علیهنّ» زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی نقش رهبری و هدایت مردم را به دیگر موارد دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۲ هر که بمیرد و نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیت مرده است. با توجه به آیات و روایات بیان شده رهبری در اسلام جزو اصول دین است نه فروع دین و اصل امامت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. توحید که اولین اصل دین است زمانی نمادین می شود که حاکم جامعه، امام معصوم باشد، نبوت و شریعت زمانی پابرجا می ماند که رهبری معصوم آن را حفظ کند و گرنه با خرافات تحریف، بدعت و سلیقه های شخصی آمیخته شده و وحی از اعتبار می افتد. شناخت و توجه به معاد، جز از طریق امام معصوم ممکن نیست. امامت است که به نماز جان می دهد به حج و روزه جهت می دهد، به جهاد مشروعیت می دهد و فرائض الهی را احیا می کند.

۲- حدیث غدیر

حدیث غدیر یکی از شواهد مهم بر جانشینی حضرت علی علیه السلام است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال آخر عمر خود هنگام برگشتن از حج خانه خدا، در سرزمینی به نام «غدیر» توقف فرمود و در محل بلندی قرار گرفت که جمعیت حدود صد هزار نفر مسلمان ایشان را می دیدند. پیامبر به فرمان خدا مسئله جانشینی علی علیه السلام را به آن جمعیت ابلاغ فرمود. ایشان دست علی علیه السلام را گرفت و بلند کرد؛ به طوری که

۱ - کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸؛ صدوق، خصال، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۷۸؛ طوسی، امالی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۴.

۲ - سید بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۵۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۰.

جمعیت او را می‌دید و فرمود: «ای مردم! همان طور که من ولی و صاحب اختیار شمایم و بر جان و مال شما اولویت دارم، علی نیز مولی و ولی شما است. «در همان روز مردم به علی علیه السلام این مقام را تبریک گفتند؛ حتی «عمر» آن روز به وی چنین گفت: «به به! تو مولای من و مولای همه مسلمانان شدی». آری! پیامبر اسلام جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای چندمین بار، دو ماه و نیم پیش از رحلت خود اعلام نمود تا مردم بدانند پس از آن حضرت، زمامدار مسلمانان کیست.

۳- حدیث ثقلین

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روزهای آخر عمر خود به مردم فرمود: «ای تارک فیکر الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی....»^۱ ای مردم! من از بین شما می‌روم و دو چیز سنگین در میان شما می‌گذارم قرآن و عترتم؛ تا به این دو دست آویزید از این دو یادگار من پیروی کنید، گمراه نخواهید شد. این دو از هم جدا شدن نیستند، این دو در کنار یکدیگر وسیله نجات و هدایتند اگر کسی فقط به کتاب خدا قناعت کند گمراه است، مگر کسی خود را علاقمند به اهل بیت بداند و قرآن را رها کند باز گمراه است این دو همانند دو بال پروازند که اگر با هم نباشند، پروازی صورت نمی‌گیرد. همانگونه که قرآن کلام خدا و به دور از هرگونه اشتباه خطا و گناهی است، امامان نیز معصوم هستند. همانگونه که تغییر و تبدیل قرآن صحیح نیست و حرام است، تبدیل ولایت اهل بیت به ولایت دیگران نیز حرام است، همانگونه که تمسک به قرآن واجب است تمسک به اهل بیت نیز واجب است. همان گونه که قرآن حبل الله است اهل بیت نیز حبل الله و عامل وحدت هستند.

۴- حدیث جابر

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: هنگامی که آیه «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم»^۲ نازل شد به رسول خدا گفتم: خداوند و پیامبرش را می‌شناسیم، اولی الامر کیانند که اطاعتشان به اطاعت خدا و رسول مقرون شده است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای جابر! آنان جانشینان من و امامان بعد از من‌اند، نخستین آن «علی بن ابی طالب» و سپس به ترتیب «حسن بن علی» و «.....حسن بن علی» و پس از او فرزندش می‌باشد که نام و کنیه او با نام و کنیه من یکی است و کسی است که خدا او را بر همه جهان مسلط می‌سازد و او است که از

۱ - اگر بخواهیم به ناقلین حدیث ثقلین توجه کنیم می‌توان به کتب مهم اهل سنت مراجعه کرد از جمله صحیح مسلم، ج ۴، در همین باب و سنن ترمذی، ج

۵، ص ۶۶۲ و همین‌طور سنن دارمی، مسند ابن حنبل، المستدرک علی الصحیحین، خصائص امام امیرالمؤمنین (ع) از نسائی، طبقات الکبری و بسیاری از

کتابهای دیگری که این حدیث را در آنجا از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند

۲ - آیه ۵۹ سوره نساء

نظر مردم پنهان می‌شود و غایب بودن او طولانی می‌شود تا آنجا که فقط افرادی که ایمان آنان راسخ و محکم باشد، بر عقیده به امامت او باقی می‌مانند.

ستارگان آسمان ولایت و امامت

دوازده امام شیعه را پیامبر از طرف خدا تعیین کرده و علاوه بر این، هر امامی بر امامت امام بعد از خود تصریح کرده است تا مردم به هیچ وجه در اشتباه نیفتند. بعد از رسول اکرم درباره هیچکس از مردان، جز این دوازده نفر، ادعای عصمت نشده است و نیز هیچکس نتوانسته مانند علوم و معارفی که این دوازده نفر بیان کرده‌اند، بیاورد.

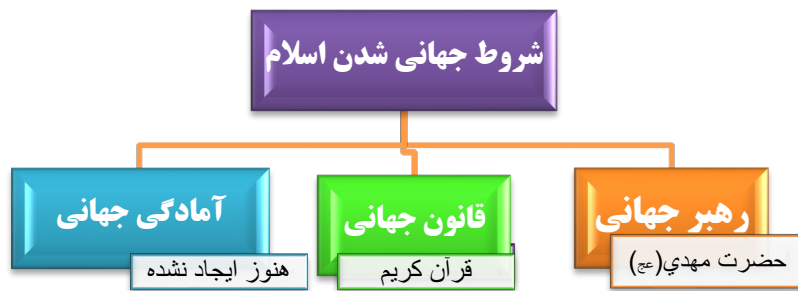
- ۱- حضرت علی (ع) (امامت: ۱۱-۴۰ق)،
- ۲- فرزندش امام حسن (ع) (امامت: ۴۰-۵۰ق)،
- ۳- برادرش امام حسین (ع) (امامت: ۵۰-۶۱ق)،
- ۴- فرزندش امام زین العابدین (ع) (امامت: ۶۱-۹۴ق)،
- ۵- فرزندش امام محمد باقر (ع) (امامت: ۹۴-۱۱۴ق)،
- ۶- فرزندش امام جعفر صادق (ع) (امامت: ۱۱۴-۱۴۸ق)،
- ۷- فرزندش امام موسی کاظم (ع) (امامت: ۱۴۸-۱۸۳ق)،
- ۸- فرزندش امام رضا (ع) (امامت: ۱۸۳-۲۰۳ق)،
- ۹- فرزندش امام محمد تقی (ع) (امامت: ۲۰۳-۲۲۰ق)،
- ۱۰- فرزندش امام علی النقی (ع) (امامت: ۲۲۰-۲۵۴ق)،
- ۱۱- فرزندش امام حسن عسکری (ع) (امامت: ۲۵۴-۲۶۰ق)
- ۱۲- فرزندش حضرت مهدی، امام زمان (ع) (امامت: از ۲۶۰ق).

امام زمان (عج)

حضرت مهدی (عج) امام دوازدهم پس از تولد به خواست خداوند از دیدگان غایب گشته‌اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند ظهور کنند و دنیا را پر از عدل و داد نمایند. لذا امام زمان ما حضرت مهدی (عج) است. آیه زیر اشاره به قیام امام زمان علیه السلام در آخرالزمان دارد «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ...»^۱ او خداوندی است که پیامبرش را با دین حق برای هدایت مردم فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد این آیه سه بار در قرآن تکرار شده، بشارت می‌دهد که دین اسلام سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت.

۱- آیه ۹ سوره صف و آیه ۳۳ سوره توبه و آیه ۲۸ سوره فتح

برای جهان شمول شدن اسلام، سه شرط لازم است:

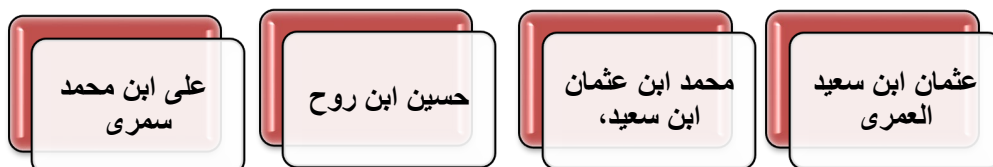


- امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که مردم به معارف و اندیشه های قرآن و اسلام آگاه و آمادگی حکومت آن حضرت را داشته باشند.

- امام زمان (عج) یار و یاور بسیار دارد، منتها در روایات تعداد یاران امام سیصد و سیزده نفر آمده که تعداد پنجاه نفر از آنها خانم هستند. البته اینان فرماندهان و افسران سپاه امام هستند.

غیبت صغرا

غیبت صغرا پس از شهادت پدر بزرگوار امام زمان شروع شد. در این غیبت حضرت برای خود چهار نایب انتخاب کرد تا سوالات مردم را پاسخ دهند و از حضرت مطالبی می گرفتند و به مردم می گفتند. اسامی این نایبان به ترتیب عبارتند:



غیبت کبرای امام زمان (عج)

شش روز پیش از وفات علی بن محمد سمری؛ توقیعی شریف از طرف امام زمان (عج) به این عنوان صادر شد: ای علی بن محمد سمری! خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم دهد، تو بعد از شش روز از دنیا می روی. امر خود را جمع کن و آماده باش به احدی وصیت برای نیابت نکن. همانا غیبت کبری واقع گردید و مرا ظهوری نخواهد بود؛ مگر به اذن خداوند متعال، و این بعد از این است که غیبت طول بکشد دل ها را قساوت

گیرد و زمین پر از ظلم و ستم می‌شود و می‌آیند بعضی از شیعیان من که ادعای مشاهده مرا می‌نمایند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و صبیحه آسمانی ادعای مشاهده نماید او کاذب و افترا زننده است.

اهداف انقلاب حضرت مهدی (عج):



ولایت فقیه

۱- معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان، از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد.

۲- ضرورت ولایت فقیه

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.

اوامر ولایی ولی فقیه

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود.

برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راه‌های قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد.

احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

اجرای حدود

اجرای حدود (مثل حد زنا و سرقت) در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است. در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسایل مربوط به اداره کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسایل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (رض)

امام خمینی، ولایت فقیه را به معنای حکومت، اداره کشور و اجرای قوانین شرع می‌داند. دلیل عقلی: احکام اسلامی همیشگی است؛ بنابراین نیاز به حکومت، نیازی همیشگی است و محدود به زمان حضور پیامبر (ص) و امام (ع) نیست. و آنچه دلیل نیاز به امامت است، دلیل بر ضرورت حکومت در دوران غیبت نیز است.

دلیل نقلی: همه روایات مرتبط به بحث، روی هم رفته بر این نکته دلالت می‌کنند که قدر متیقن از جواز ولایت، ولایت فقیه عادل است.

حاکم باید دارای دو جهت علم (علم اجتهادی) به قانون و عدالت باشد؛ بنابراین ولی امر مسلمانان فقیه عادل است.

امام خمینی، درباره انتصابی یا انتخابی بودن ولی فقیه قائل است فقیه در همه صور ولایت دارد؛ اما تولی حکومت و تشکیل آن، به آرای اکثریت مسلمانان بستگی دارد که در صدر اسلام از آن به بیعت تعبیر می‌شد. و اختیارات حکومتی و ولایت ولی فقیه را بسیار گسترده می‌داند که محدود به رعایت چارچوب احکام فرعی شرعی نیست. مخاطبین گرامی به منظور افزایش آگاهی در موضوع اصول عقائد به کتاب اصول عقائد، حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی مراجعه نمایید.

کفتار هفتم عفاف و حجاب

با رجوع به تاریخ و کتب تاریخی، روشن می‌شود نیاز به حجاب و پرهیز از برهنگی جزء گرایش‌های فطری بشر است که خداوند متعال آن را در وجود انسان قرار داده است. شواهد تاریخی نیز فطری، فرامذهبی و فراملی بودن حجاب را تأیید می‌کند. در تمدن‌های کهن بشری مانند تمدن یونان و ایران موضوع حجاب در بین بانوان جایگاه ویژه‌ای داشته است و همه ادیان الهی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده و جامعه بشری را به‌سوی آن فراخوانده‌اند. از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در ادیان الهی روشن می‌گردد که حجاب در ادیان دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است.

حجاب، حکم وجوبی اسلام

حجاب، به‌عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام، به این معنا است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. بنابراین، حجاب، به‌معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.



حجاب در قرآن

حجاب به پوشش زن در برابر مرد نامحرم گفته می‌شود. به گفته فقیهان و دیگر عالمان مسلمان، حجاب از واجبات مسلم و ضروریات دین اسلام و ضروریات مذهب است و در آیاتی از قرآن و احادیثی از ائمه (ع)، بر وجوب و اهمیت آن تأکید شده است.

فقیهان بر واجب بودن رعایت حجاب برای زنان در برابر نامحرم اجماع دارند. برخی پژوهشگران فوایدی را برای این حکم بیان کرده‌اند که از آن جمله است: آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام به زن.

حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه گرفته است. اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی (چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر) به محیط خانواده و در چهارچوب شرع و قانون اختصاص یابد و اجتماع تنها برای کار و فعالیت باشد.

اسلام قائل به تفکیک میان این دو محیط است و برای تأمین این هدف، پوشش و حجاب را توصیه کرده، زیرا بی‌بند و باری در پوشش به معنای عدم ضابطه در تحریک غریزه و عدم محدودیت در رابطه جنسی است که آثار شوم آن بر کسی پوشیده نیست. خداوند در آیات زیر به ضرورت حجاب و باید‌ها و نبایدهای آن اشاره نموده است:

آیه ۳۱ سوره نور

به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش فرو خوابانند و دامن‌های خویش حفظ کنند و زیور خویش آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است، سرپوش‌های خویش بر گریبان هابزنند، زیور خویش آشکار نکنند مگر برای شوهران یا پدران یا پدر شوهران یا پسران یا پسر شوهران یا برادران یا برادرزادگان یا خواهر زادگان یا زنان یا مملوکانشان یا مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند یا کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کامجویی از زنان توانا نیستند) و پای به زمین نکوبند که زیورهای مخفی شان دانسته شود. ای گروه مؤمنان! همگی به سوی خداوند توبه برید، باشد که رستگار شوید.

آیات ۵۸، ۵۹، ۶۰ سوره نور

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بایست مملوک‌های شما و کودکان نابالغ شما در سه وقت اجازه دخول بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که جامه‌های خویش می‌نهد، و بعد از نماز عشاء (که آماده خواب

می‌شوید). این سه وقت، خلوت شماس است. در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان باکی نیست (که بی اجازه وارد شوند). آنها و شما زیاد بر یکدیگر می‌گذرید. خداوند آیات را چنین بیان می‌کند. خداوند دانا و حکیم است. و چون کودکان شما به حد بلوغ رسیدند باید مانند دیگران اجازه ورود بگیرند. خداوند آیات خویش را چنین بیان می‌کند. خداوند دانا و حکیم است.

زنان بازنشسته که امید ازدواج ندارند باکی نیست در حالی که خود را به زیوری نیاراسته‌اند و قصد خودنمایی ندارند جامه خویش به زمین نهند، و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است. خداوند شنوا و داناست.»
آیه ۵۵ سوره احزاب

بر زنان [پیامبر] در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادر و پسران خواهر و زنان [هم کیش] و مملوکانشان گناهی نیست [که در برابر آنان حجاب نداشته باشند] [ای زنان،] از خدا پروا بدارید که خدا بر هر چیزی گواه است.

نقش حکومت در حفاظت از حجاب

پوشش اجتماعی و حجاب اسلامی از آنجا که موضوعی اجتماعی و حقی الهی است و نه فردی، حاکم اسلامی مکلف است تا در راستای حفظ نظام اسلامی، برقراری و حفظ امنیت، منع از اشاعه فحشا و دفع مفاسد اجتماعی، تأمین منافع مادی و سعادت اخروی، بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر و قاعده فقهی تعزیر، این واجب الهی را در سطح اجتماع پیاده سازد و با افراد بدحجاب یا بی‌حجاب، که مرتکب حرام اجتماعی شده‌اند، برخورد مناسب نماید.

فلسفه حجاب

از دیدگاه قرآن کریم

از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریع حکم حجاب اسلامی، دستیابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا اَرْوَاجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ»؛ به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است»

از دیدگاه شهید مطهری

مواردی که شهید مطهری به عنوان فلسفه حجاب ذکر می کند جنبه های فردی، خانوادگی و اجتماعی زندگی انسان را در بر می گیرد.

۱. آرامش روانی:

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بندوبار، هیجان ها جنسی را فزونی می بخشد و این غریزه به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آید. این غریزه، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می شود. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه برای زن و مرد، معین کرده است. که مربوط به نگاه کردن است.

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند.

۲. حفظ ارزش و بالا بردن احترام زن:

حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از مسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام تاکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود. قرآن کریم پس از آنکه توصیه می کند زنان خود را بپوشانند می فرماید این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند بهتر است و در نتیجه عظمت آنها مانع مزاحمت افراد سبک سر می گردد.

۳. استحکام پیوند خانوادگی:

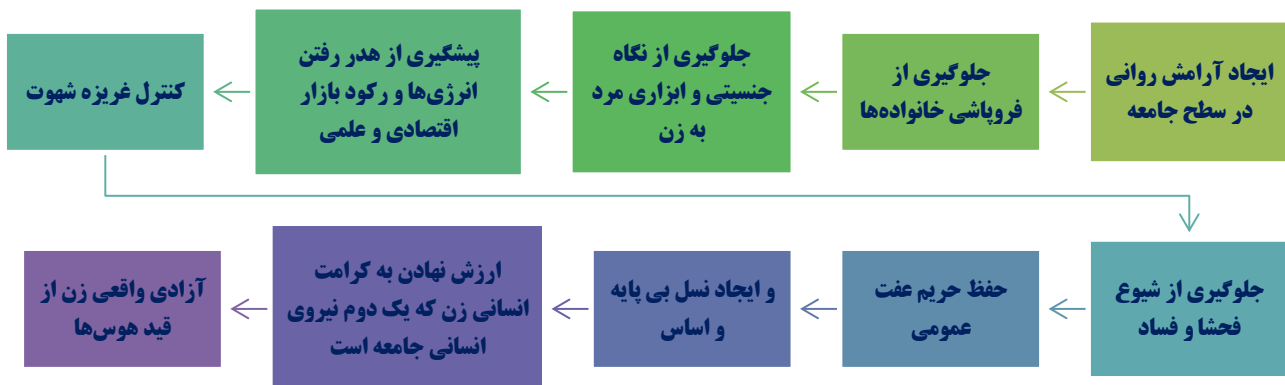
هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. اختصاص یافتن لذت های جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود.

۴. استواری اجتماع:

کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. بنابراین زنان با استفاده از پوشش مناسب اسلامی و حفظ شئون خویش می توانند در تمام زمینه ها (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) وارد جامعه شده و بسیاری از امور را حتی بهتر از مردان انجام دهند. جامعه موظف است امنیت را در تمام

ابعاد مختلف فراهم سازد و بخش مهمی از آن به عهده زن است که با حفظ پوشش به آن جامه عمل بپوشاند. در سایه رعایت عفاف است که زن می‌تواند به راحتی وارد جامعه گردیده و فعالیت کند و خطری هم متوجه او نگردد. حجاب، یک اصل سابقه دار در میان افراد بشر است. هم چنین حجاب در راستای تقویت، عفت و کمال انسان‌ها مورد توجه اسلام بوده، از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و فساد اخلاقی پیشگیری می‌کند. پوشیده بودن زن در حدودی که اسلام معین کرده، نه تنها موجب کاهش حیثیت اجتماعی او نیست بلکه موجب کرامت و احترام بیشتر زن می‌گردد زیرا او را از تعرض افراد فاقد اخلاق مصون نگه می‌دارد. شرافت زن اقتضا می‌کند هنگامی که از خانه خارج می‌شود، متین و باوقار راه برود، نیز پوشش او به گونه‌ای باشد که موجب تحریک و تهییج دیگران نشود. نباید زن به سخن گفتنش آهنگ خاصی بدهد که بیمار دلان، در او طمع کنند. اسلام به زنان می‌گوید دو مسئله را رعایت کنید تا ایمن باشید: پوشیده باشید. به گونه‌ای راه نروید و سخن نگویند که تحریک آمیز باشد. این دستورها، به مصلحت زن است تا با امنیت بیشتر از خانه خارج شده و به آنجا برگردد.

اسلام به دلایل زیر مسئله حجاب را مطرح کرد:



و چه جاهلانه است که بشر امروز برای به اصطلاح ارج نهادن به حریم الهی این موجود مقدس، شعار برداشتن محدودیت زن یعنی حجاب را سر داده و برای پر کردن هوس‌های آلوده و جیب‌های سرمایه داری از جسم لطیف و دستان ظریف این آینه جمال الهی، او را بازیچه افکار سودمحور خود قرارداد است.

حجاب از دیدگاه امام خمینی (رض)

۱- زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند و تجربه کنونی فعالیت‌های ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می‌گوید یافته اند.

۲- حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد. و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی روی آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند.

۳- در خصوص زنان، اسلام هیچ گاه مخالف آزادی آنان نبوده است. بر عکس، اسلام با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت او را به وی بازگردانده. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند.

۴- حجابی که اسلام قرارداد کرده است، برای حفظ ارزش‌های شماسست. هرچه را که خدا دستور فرموده است چه برای زن و چه برای مرد. برای این است که، آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند، این ارزش‌ها زنده بشود.

حجاب از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی

۱- حجاب برای زن، به معنای ذلت نیست؛ بلکه به معنای عصمت و حفظ زن است و نه فقط عصمت و حفظ زن، بلکه عصمت و حفاظت زن و مرد هر دو است.

۲- ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بیحد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه برای آنکه چشم او لذت نبرد دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است.

۳- اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور میکنند، آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه‌ی اول، امنیت از خود زن و در درجه‌ی بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای اینکه محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است.

۴- حجاب مایه‌ی تشخص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهر بینانه‌ی مادیگرایان، مایه‌ی اسارت زن نیست.... حجاب وقار است، متانت است، ارزشگذاری زن است، سنگین شدن کفهی آبرو و احترام اوست؛ این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مسئله‌ی حجاب تشکر کرد؛ این جزو نعمت‌های الهی است.

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

الف) فایده حجاب در بعد فردی

مهمترین فایده فردی حجاب، رشد و تعالی خود انسان است. دختر و زنی که به دستور الهی گوش می‌کند و حجاب خود را مراعات می‌کند، رشد معنوی می‌یابد و به سوی خداوند تقرب می‌جوید. دیگر از فواید و آثار مهم حجاب در بعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین تک تک افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد.

ب) فایده حجاب در بعد خانوادگی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است که باعث پیوند و اتصال قوی‌تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش‌تر کانون خانواده می‌گردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است.

ج) فایده حجاب در بعد اجتماعی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌شود.

حجاب و امنیت اجتماعی

آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امنیت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه.
۲. جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذاذات نفسانی.
۳. کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی.
۴. حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی.
۵. حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی.
۶. حفظ ارزش‌های انسانی، مانند عفت، حیا و متانت در جامعه.
۷. مصونیت زنان در همه زمان‌ها و مکان‌ها.
۸. سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی.
۹. هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی.
۱۰. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب.
۱۱. از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار.

رابطه‌ی حجاب و عفاف

حجاب تشریع شده در آیه ۵۹ سوره احزاب، در حقیقت ارائه یک راهکار مهم برای پاسداری از عفاف جامعه است؛ یعنی اگر جامعه‌ای بخواهد عفاف و پاکدامنی در آن حکم فرما باشد راهی جز اصلاح ارتباط بین زن و مرد و نیز به حداقل رساندن آن ندارد؛ و اگر از رابطه میان زن و مرد در جامعه گریزی نباشد، باید بر اساس حدود شرعی و اخلاقی تنظیم و سامان یابد؛ زیرا بدون تدوین چارچوب مشخص مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی و دینی برای ارتباط با جنس مخالف، زمینه فساد، فراهم و وقوع آن اجتناب ناپذیر می‌شود.

خداوند، انسان و حتی حیوانات و نباتات را بر مبنای دو جنس نر و ماده آفریده و بین این دو، گرایش و تمایل قرار داده است، سپس برای انسان ازدواج را مشروعیت بخشید تا زمینه آرامش آنان را فراهم و بقاء نسل آنان را تضمین کرده باشد. از این رو از آغاز آفرینش، علاقه و گرایش بین دو جنس مخالف بوده و تا پایان نیز خواهد بود و چون انسان فطرتاً لذت جوست و لذت جویی حداکثری نیز از اهداف همیشگی اوست، در تعامل با جنس مخالف نیز دائماً دنبال لذت بیشتر است. در باره لذت جنسی، آموزه‌های دینی سه ویژگی «پاک»، «مانا» و «در شأن حرمت انسانی» را پیشنهاد می‌کند و نیل به این لذت را فقط در گرو ازدواج و رعایت حجاب با تعریف اسلامی آن می‌داند.

مخاطبین گرامی به منظور افزایش آگاهی در موضوع عفاف و حجاب به کتاب مسئله حجاب شهید مطهری مراجعه نمایید.

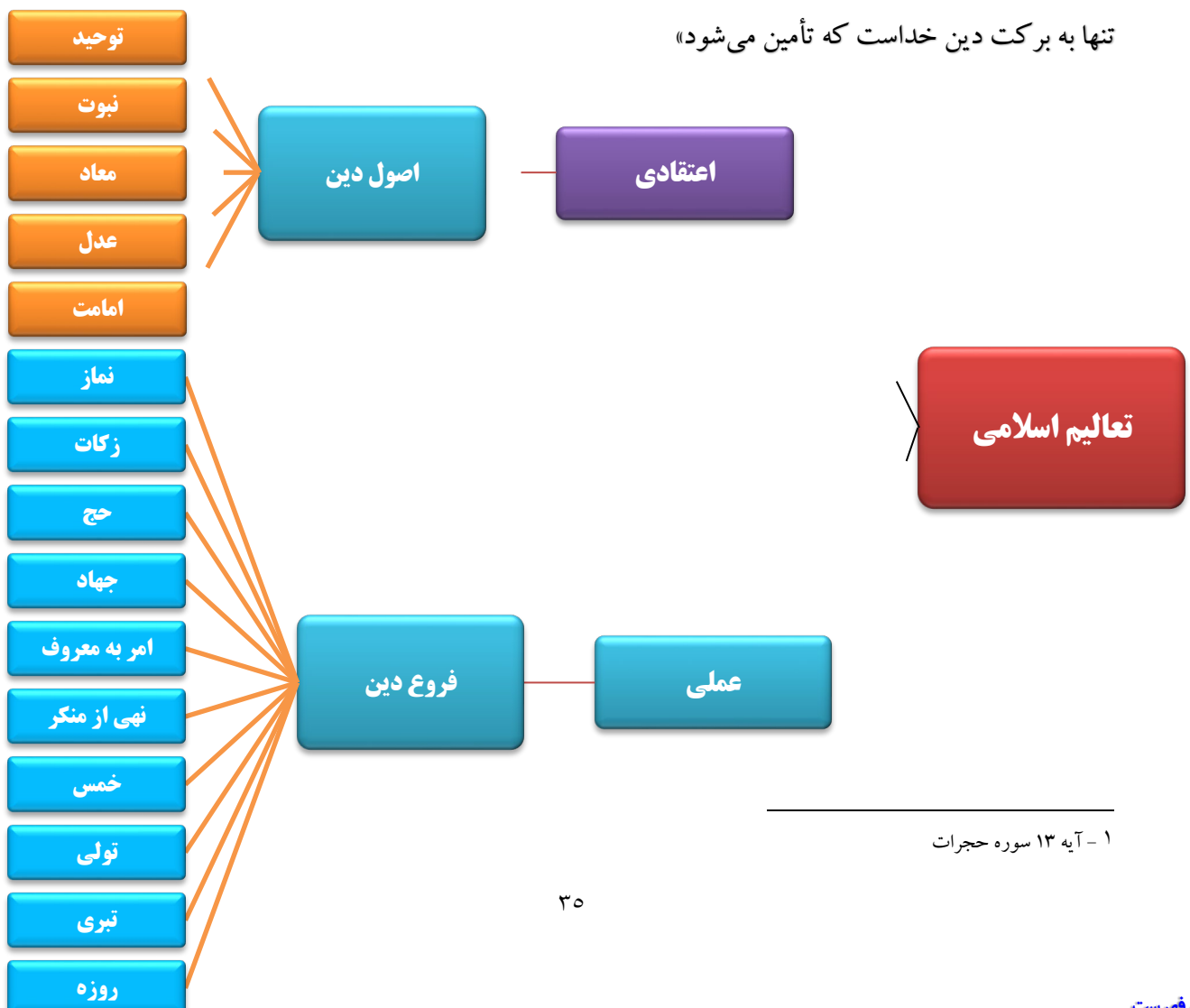
فصل سوم: احکام

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می آید. «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

اهمیت تکلیف

مقام معظم رهبری مدظله العالی: «اگر ما به احکام اسلامی عمل بکنیم اگر جامعه اسلامی ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب بکند همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است؛ یعنی چه؟ یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی» «معنای تقوا این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد. واجبات را به جا آورد و محرمات را ترک کند. این اولین مرتبه تقواست. محرمات الهی را باید شناخت و دور و بر آن نچرخید و نگشت.»

«عدالت، آزادی و آزادی و بهجت روح انسانی در عمل به احکام دین تحقق می یابد و نیازهای اصلی انسان، تنها به برکت دین خداست که تأمین می شود»



اهمیت یادگیری احکام شرعی

واجب است مکلف احکام و مسائلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره، وابسته به دانستن آنست فرا بگیرد، مانند مسائل اصلی نماز و روزه و طهارت و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد گناهکار خواهد بود.

اقسام احکام

مجموعه دستورهای دین که وظیفه انسان‌ها را در زندگی و کارهای روزمره مشخص می‌کند به آنها احکام گفته می‌شود.

کاری که باید انجام داد و ترک آن گناه دارد. مانند نماز خواندن و روزه گرفتن	واجب	احکام پنج گانه
کاری که نباید انجام داد و انجام دادن آن گناه دارد مانند دروغ گفتن و دزدی	حرام	
کاری که انجام دادن آن بهتر است و ثواب دارد مانند مسواک زدن و گفتن بسم ا... در ابتدای غذا	مستحب	
کاری که انجام ندادن آن بهتر است و ترک آن ثواب دارد مانند خوردن غذای داغ	مکروه	
کاری که انجام دادن و انجام ندادن آن به خودی خود نه ثواب دارد و نه گناه مانند راه رفتن و نشستن	مباح	

راههای عمل به احکام

فرد مکلف با تکیه بر عقل نمی‌تواند به احکام شرعی دست یابد. راههای عمل به احکام الهی سه قسم است:

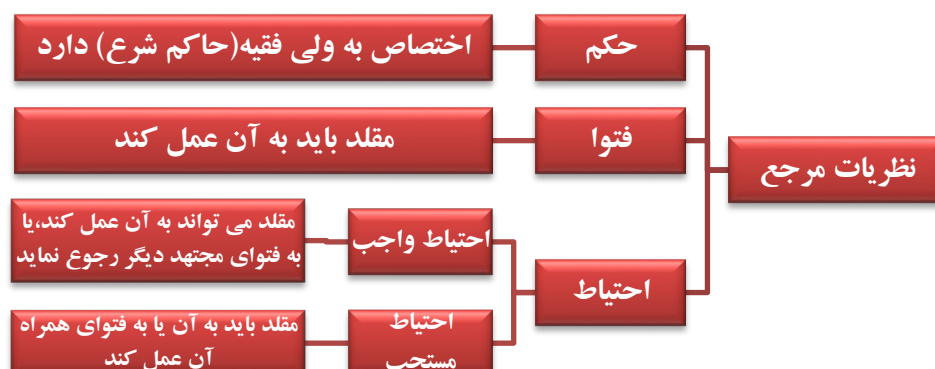
اجتهاد یعنی به دست آوردن و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابعی که اعتبار آنها نزد فقیه ثابت شده است.	اجتهاد	راههای عمل به احکام دین
احتیاط یعنی عمل کردن به گونه‌ای که مکلف مطمئن شود وظیفه شرعی خود را انجام داده مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیاورد کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند انجام دهد.	احتیاط	
تقلید یعنی مراجعه به مجتهد جامع الشرایط در احکام دین و به عبارت دیگر: طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.	تقلید	

ضرورت و لزوم تقلید در احکام

نیازمندی‌هایی که انسان در محیط زندگی خود دارد، به قدری زیاد است که انسان نمی‌تواند در همه آنها تخصص پیدا کرده و اطلاع کافی به دست آورد. از طرف دیگر چون انسان کارهایش را از روی فکر و اراده

انجام می‌دهد و در تصمیم‌گیری‌های خود باید اطلاع کافی داشته باشد، نمی‌تواند همیشه درست تصمیم بگیرد لذا باید یا خود متخصص باشد یا از فرد متخصص پرسد.

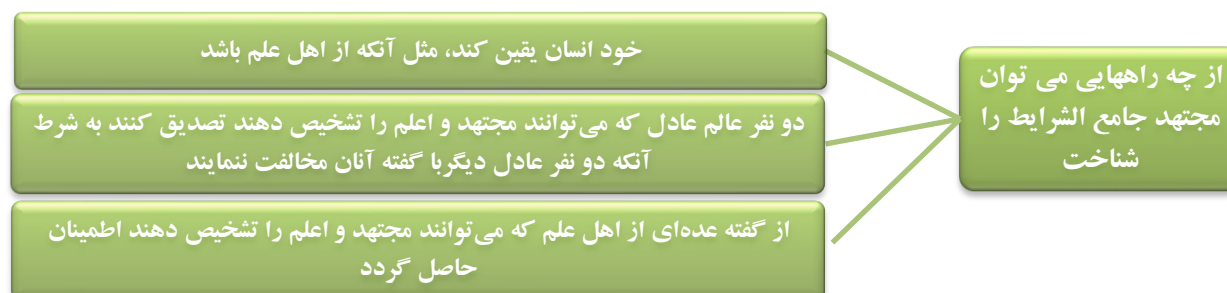
تقسیم بندی نظریات مرجع:



شرایط مرجع تقلید عبارتند از:



راه‌های شناخت مجتهد جامع الشرایط



آیه ۴۸ سوره فرقان

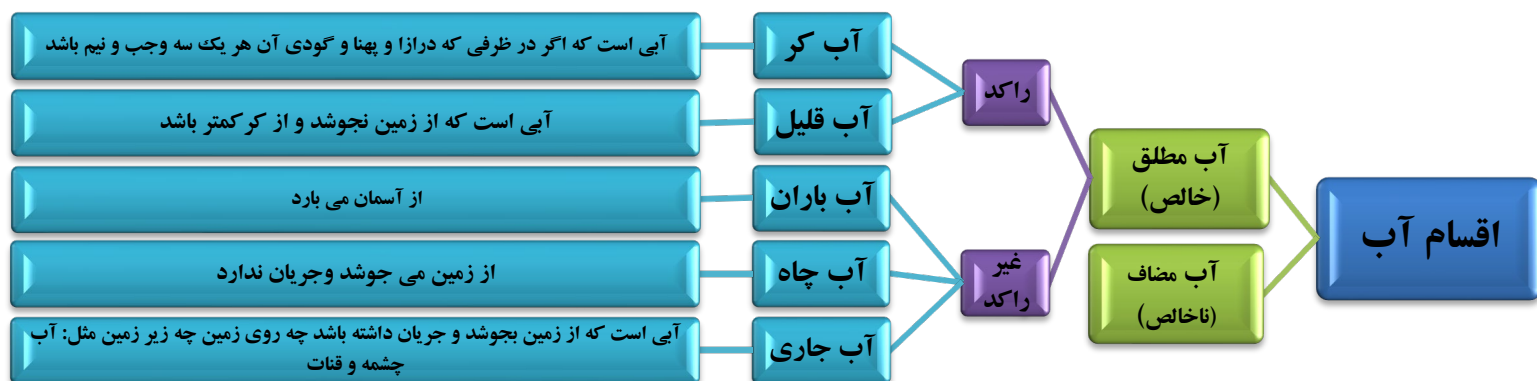
وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِي إِدْرَىٰ رَحْمَةً وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

و او خدایی است که بادهای را برای بشارت پیشاپیش باران رحمت خود فرستاد، و از آسمان آبی طاهر و مطهر

نازل کردیم

اقسام آب

آب اقسام مختلفی دارد که در جدول زیر به آن اشاره می شود:



ویژگی های آب مطلق

آبی که گفتن کلمه ی آب بر آن به تنهایی درست باشد مثل آب دریا چیز نجس را پاک می کند اگر نجس شود قابل تطهیر است

می توان با آن وضو و غسل انجام داد، با برخورد با نجاست نجس نمی شود بجز آب قلیل که اگر با نجاست برخورد کند نجس می شود.

ویژگی های آب مضاف

آبی است که آن را از چیزی بگیرند مثل آب هندوانه و گلاب یا با چیزی مخلوط باشد مانند آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود، که دیگر به آن آب نگویند
چیز نجس را پاک نمی کند، با برخورد به نجاست نجس می شود وضو و غسل با آن باطل است

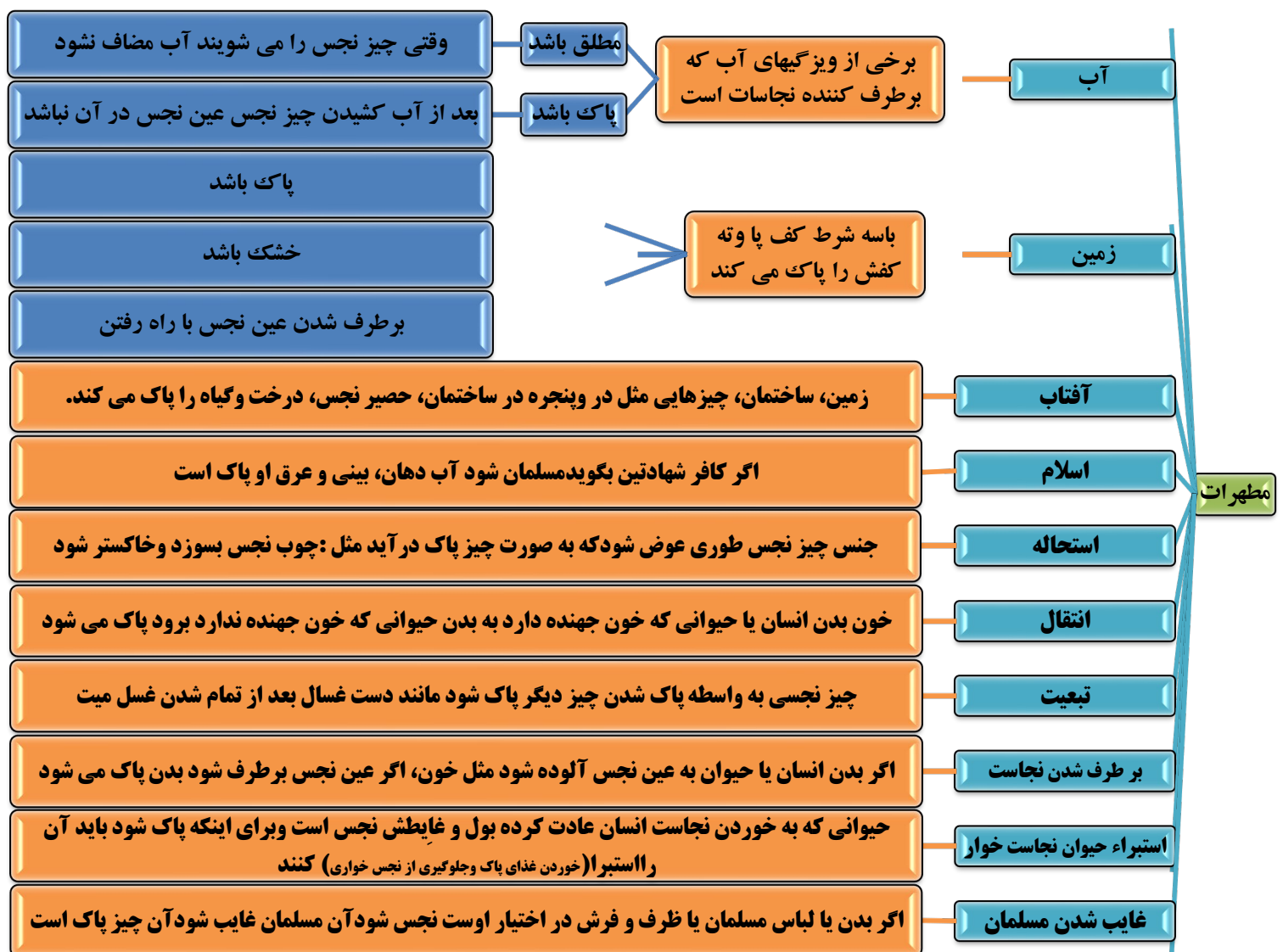
طهارت

یکی از مقدمات نماز کسب طهارت است و طهارت لازم برای نماز دو گونه است:

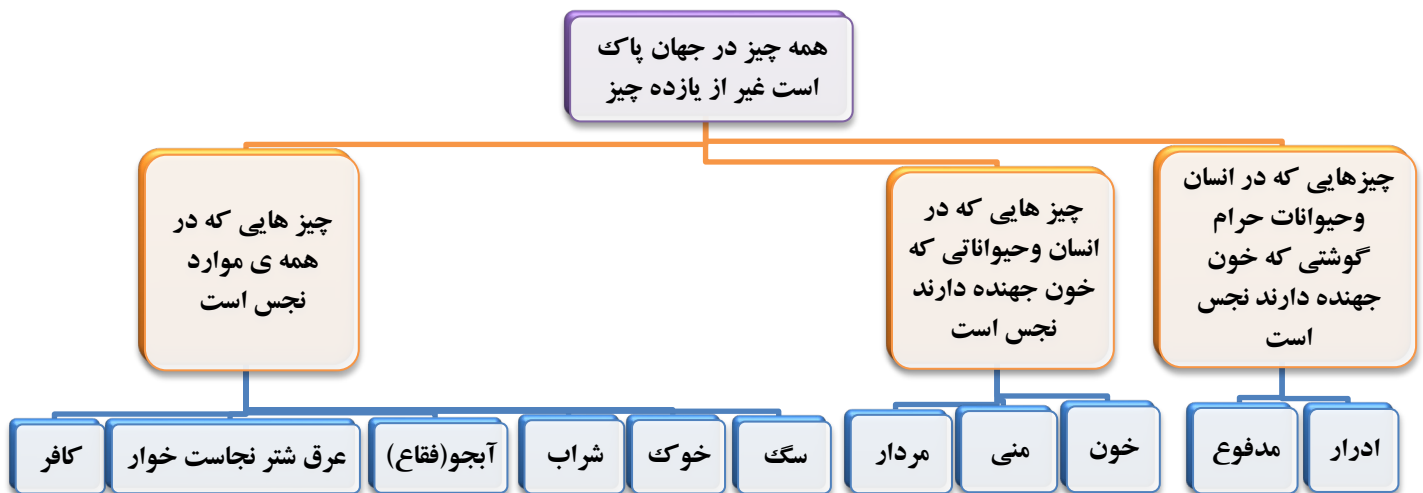
طهارت باطنی: که نیاز به قصد قربت دارد و با «وضو» «غسل» یا «تیمم» به دست می آید.

طهارت ظاهر: پاکی بدن و لباس از نجاسات

مطهرات

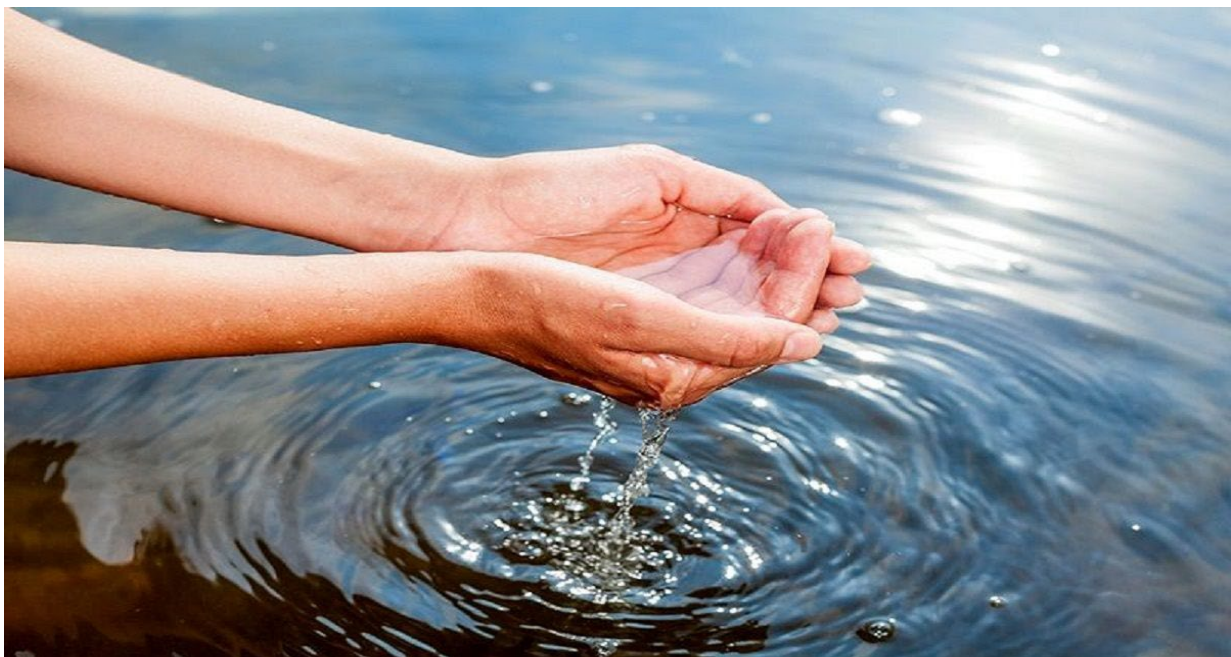


نجاسات



- نماز گزار باید قبل از نماز وضو بگیرد و خود را برای این عبادت بزرگ آماده کند. و نیز در برخی از موارد باید غسل کند یعنی همه بدن را بشوید و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن تیمم نماید.

وضو



اقسام وضو

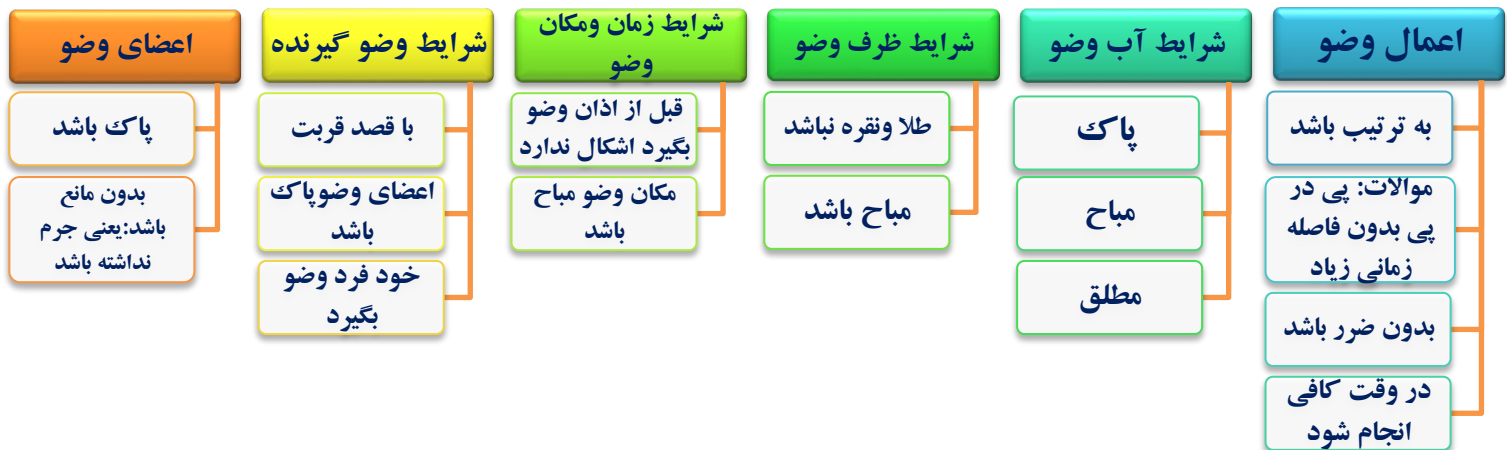
چگونه وضو بگیریم (وضوی ترتیبی)



وضو جیره‌ای زیر مجموعه وضوی ترتیبی است. و جیره: یعنی پارچه‌ای که روی زخم می بندند.

تذکر: دفعات شستن صورت و دست‌ها به نیت وضو، مرتبه اول واجب، مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم حرام است

شرایط صحت وضو



چیزهایی که باید برای انجام آن وضو گرفت



هفت چیز وضو را باطل می کند



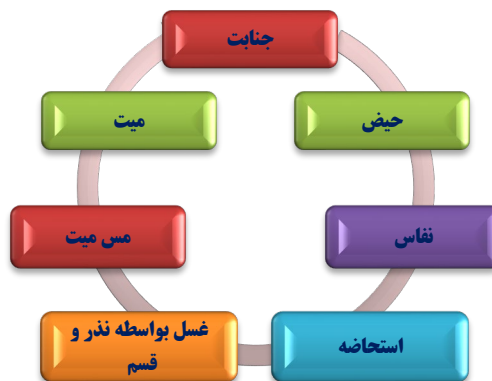
غسل

غسل عبارت است از شستن تمامی بدن از سر تا پا با کیفیت تعیین شده از سوی شرع مقدس

انواع غسل



غسل‌های واجب هفت مورد می‌باشد که در زیر نام برده شده:



کسی که چند غسل بر او واجب است می‌تواند به نیت همه ی آنها یک غسل کند یا آنها را جدا جدا انجام دهد.

اگر شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند، اما اگر بعد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه لازم نیست دوباره غسل کند.

غسل‌های باطل



تمام شرطهایی که در صحیح بودن وضو گفته شد (پاک بودن آب، غصبی نبودن) در صحیح بودن غسل هم شرط است.

جز اینکه در غسل لازم نیست از بالا به پایین باشد یا فوراً قسمت دیگر را بشویم.

احکام جنابت

پنج چیز بر جنب حرام است

رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و پیامبران و امامان (ع)

رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود

توقف در مساجد دیگر ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان (ع) هم توقف نکند.

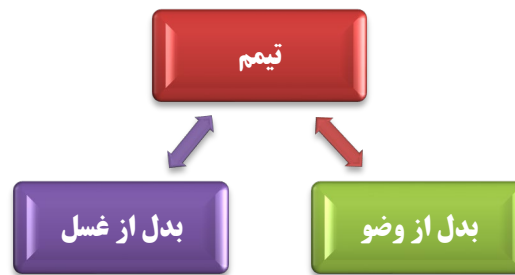
خواندن سوره ای که سجده واجب دارد

گذاشتن چیزی در مسجد

همراه گرامی به منظور مطالعه احکام اختصاصی مربوط به آقایان و خانم‌ها به رساله توضیح المسائل مرجع خود مراجعه فرمایید.

تیمم

انواع تیمم



نحوه انجام دادن تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند

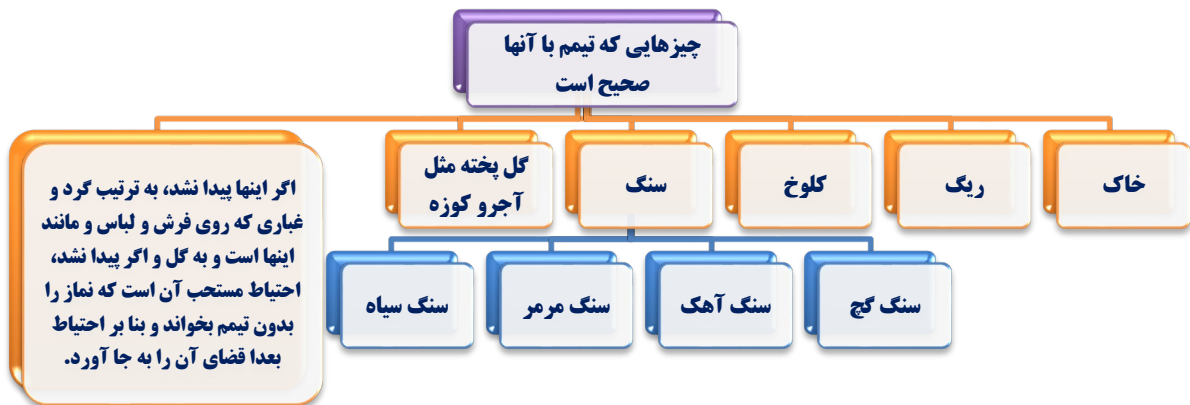
چگونه تیمم کنیم؟



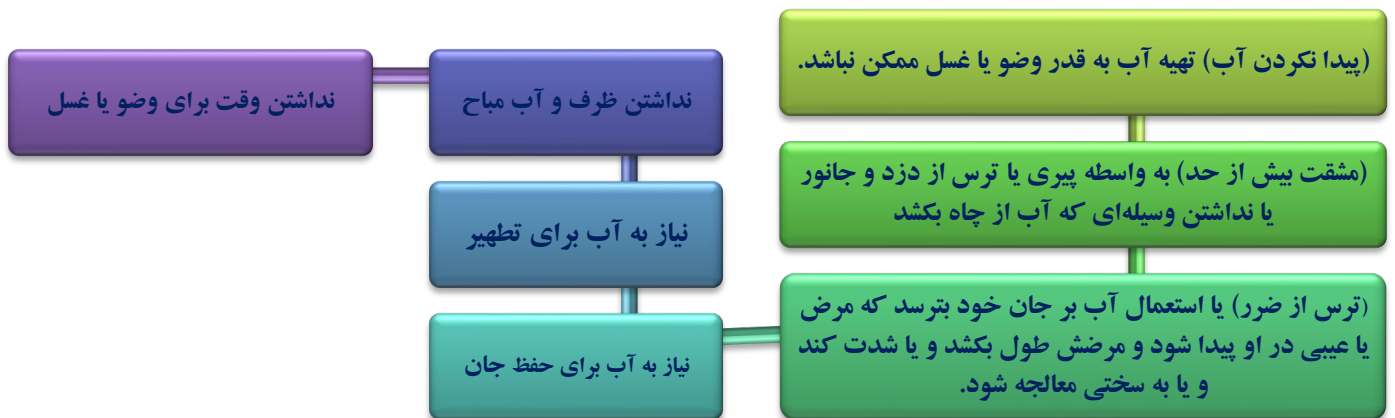
- انسان باید برای تیمم انگشت را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یادار کف دستها مانعی باشد باید برطرف نماید.
- اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند لازم نیست برای نماز، وضو بگیرد.
- اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند تیمم باطل است.



چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است



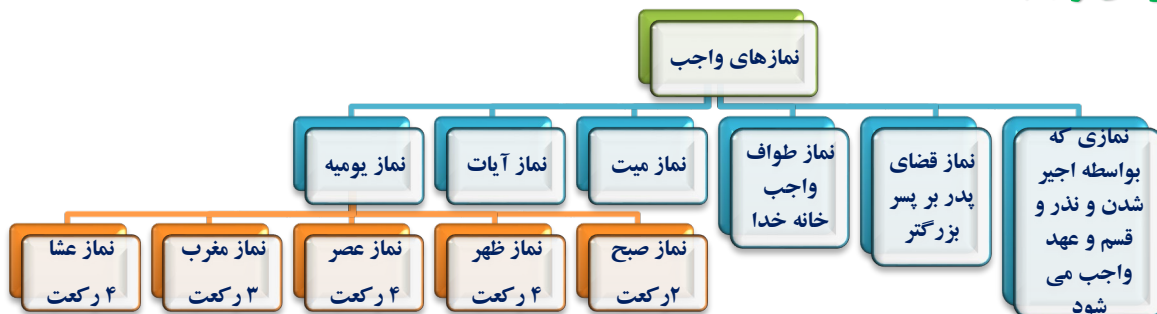
در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد



نماز



نمازهای واجب





لباس نمازگزار پنج شرط دارد که در زیر بیان می شود :



مکان نماز

بلندی سقف آن طوری باشد که بتواند بایستد	بی حرکت باشد	مباح باشد (غصبی نباشد)
اگر نجس است طوری نباشد که تری آن در لباس و بدن اثر کند، ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد حتی خشک باشد نماز باطل است.	محل سجده و زانوها، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلند تر نباشد و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست تر و بلند تر نباشد	

اذان و اقامه



برای مرد وزن مستحب است پیش از نمازهای یومیه اذان و اقامه بگویند

فرق اذان و اقامه در چیست؟

اذان	اقامه
۴	اللَّهُ أَكْبَرُ ۲
۲	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲
۲	أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۲
۲	أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ ۲
۲	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ۲
۲	حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ۲
۲	حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲
ندارد	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ ۲
۲	اللَّهُ أَكْبَرُ ۲
۲	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۱

آموزش نماز

پس از وضو گرفتن، به نماز می ایستیم اذان و اقامه را به صورتی که در بالا بیان شد می گوئیم



تکبیره الإحرام

اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا از همه چیز و همه کسی برتر است

حمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ
الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

بنام خداوند بخشنده مهربان ستایش، مخصوص خدا، پروردگار جهانیان است خدای
بخشنده مهربان خدائی که صاحب روز پاداش (قیامت) است تنها تو را می پرستیم و تنها از
تو یاری می جوئیم ما را به راه راست هدایت فرما راه آنان که به آنها نعمت دادی نه راه
کسانی که بر آنها غضب کردی و نه گمراهان

سوره



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كُفُوًا أَحَدٌ

بنام خداوند بخشنده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدای بی نیاز خدایی که نه فرزندی
دارد و نه فرزند کسی است و هیچ کسی، مانند و همتای او نیست.

ذکر رکوع



سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

خدای خود را، که بزرگ است، منزه می دانم و می ستایم



ذکر مستحب بعد از رکوع

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

خدا ستایش کسی که او را می ستاید، می شنود

ذکر سجود

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

خدای خود را، که از همه بالاتر است، منزه می دانم و می ستایم

ذکر مستحب در حال قیام بعد از سجود

يَحْوِلُ اللَّهُ وَقْوَتِهِ أَقْوَمُ وَأَقْعَدُ

یعنی به یاری خدای متعال و قوه او بر می خیزم و می نشینم



قنوت

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

خداوندا در دنیا و در سرای دیگر به ما نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار



تسبیحات اربعه (در رکعت سوم و چهارم خوانده می شود)

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

منزه است خدا، ستایش مخصوص خدا است، جز آفریدگار جهان معبودی نیست و خدا از

همه بزرگتر است



تشهد

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ



گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتا است و شریک ندارد و
گواهی می‌دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده او است خداوند! بر محمد
و خاندان او درود فرست

سلام

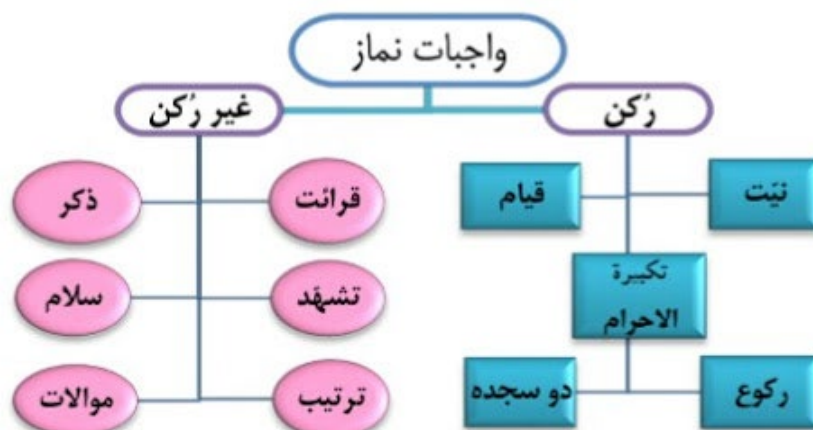
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ
الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ



درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر درود بر ما و بر بندگان صالح خدا درود بر شما
(ای نمازگزاران و مؤمنان) و رحمت و برکات خدا بر شما

واجبات نماز

یازده چیز است که به دو بخش رکن و غیر رکن تقسیم می‌شود



مبطلات نماز

رکن نماز را عمدأ یا سهواً زیاد یا کم کند یا چیزی را که رکن نیست عمدأ کم یا زیاد کند	آن که در بین نماز یکی از شرط های آن از بین برود مثلاً: بفهمد مکانش غصبی بوده
عمدأ با صدا در نماز بخندد	عمدأ کلمه ای بگوید
در نماز طوری بخورد و بیاشامد که نگویند نماز می خواند	دستها را روی هم بگذارد مثل کسانی که شیعه نیستند
صورت نماز را به هم بزند. مثل: دست زدن	بعد از خواندن حمد آمین بگوید
برای کار دنیا عمدأ با صدا گریه کند اما اگر برای امر اخرت وترس از خدا گریه کند آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد	عمدأ یا از روی فراموشی پشت به قبله کند یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد
شک در رکعت های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی	آنکه در بین نماز عمدأ یا سهواً یا از روی ناچاری وضو یا غسلش باطل شود. مثلاً بول از او خارج شود

شکایات نماز

- ۱- شک در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و مسافر. اما شک در نماز مستحبی و احتیاط نماز را باطل نمی کند
- ۲- شک در نماز سه رکعتی، نماز مغرب
- ۳- در نماز چهار رکعتی شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر
- ۴- در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در رکعت دوم شک کند دو رکعت خوانده یا بیشتر
- ۵- شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج
- ۶- شک بین سه و شش یا بیشتر
- ۷- شک در رکعت نماز که نداند چند رکعت خوانده
- ۸- شک بین چهار و شش یا بیشتر چه پیش از تمام شدن سجده دوم یا بعد از آن

شکهایی که نماز را باطل می کند



شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد

شک بین			
تکلیف	بنابر	در حال	شک بین
	•••		••• و •••
	••		•• و ••
	••		•• و •• و ••
	••		•• و ••
	••		•• و •••
	••		•• و ••
	••		•• و •••
	••		•• و •• و ••
	••		•• و ••



نماز احتیاط

نمازی یک یا دو رکعتی است که به سبب شک در تعداد رکعت‌های نماز چهار رکعتی واجب می‌شود این نماز را باید آهسته خواند، نیت آن را به زبان نیاورد

طریقه انجام نماز احتیاط



سجده سهو چیست ؟

سجده سهو: شامل دو سجده و یک تشهد و سلام است که به خاطر برخی اشتباهات در نماز واجب می‌شود و باید بلافاصله بعد از سلام نماز به جا آورده شود.

موارد وجوب که سجده سهو



طریقه سجده سه

وبعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو می کنیم و پیشانی را به مهر می گذاریم و می گوئیم: «بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله» یا «بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد» ولی بهتر است بگوید: «بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی ورحمه الله و برکاته»

نماز مسافر

مسافر با هشت شرط نمازهای چهار رکعتی را شکسته یعنی دو رکعت می خواند:



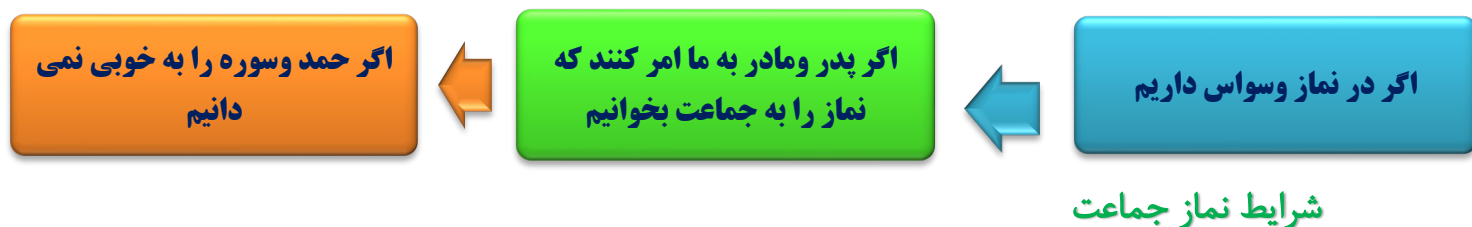
حد ترخص: مسافر به قدری از شهر دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود (۲۲/۵ کیلومتر)
مسافت شرعی: یکی از شرایط شکسته شدن نماز مسافر آن است که مسافر تصمیم داشته باشد دست کم ۸ فرسخ شرعی مسافرت کند به ۸ فرسخ مسافت شرعی گفته می شود

نماز جماعت



مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانیم.

مواردی که باید نماز را به جماعت خواند



هنگام برپایی نماز جماعت شرایط زیر باید رعایت شود



نماز آیات

موارد وجوب نماز آیات

نماز آیات به واسطه چهار چیز به ما واجب می شود

وقتی حوادث آسمانی یا زمینی اتفاق بیافتد باید نماز آیات، که یکی از نمازهای واجب است، را بخوانیم



نماز آیات را می توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره را تنها امام جماعت می خواند.

نحوه انجام نماز آیات

این نماز را به دو صورت می توانیم بخوانیم :



نماز عید فطر و عید قربان



نماز عید قربان و فطر در زمان حضور امام(ع) واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما مستحب می باشد.

نحوه انجام نماز عید

نماز عید فطر و عید قربان دو رکعت است که شرح آن در جدول زیر آمده است.

رکعت اول: در رکعت اول بعد از حمد و سوره باید ۵ تکبیر بگوییم و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخوانیم. بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوییم. به رکوع رویم و دو سجده به جای آوریم و برخیزیم

رکعت دوم: چهار تکبیر می گوییم و بعد از هر تکبیر قنوت می خوانیم و تکبیر پنجم را که خواندیم به رکوع می رویم و بعد از رکوع، دو سجده به جای آورده تشهد می گوییم و سلام می دهیم

قنوت: در نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکر بخوانیم کافی است ولی بهتر است این دعا خوانده شود. اللهم اهل الکبرياء...

**نماز عید فطر و
قربان**

نماز جمعه



نماز جمعه که در روزهای جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود در عصر حاضر (زمان غیبت امام(عج)) واجب تخییری است، ولی در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برپا است احتیاط مستحب آن است که حتی المقدور نماز جمعه ترک نشود.

معنای واجب تخییری این است که مکلف در ادای فریضه‌ی واجب ظهر روز جمعه، بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است. (نماز جمعه جانشین نماز ظهر جمعه می‌شود)

هر چند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فواید و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به صرف عذرهای واهی محروم سازند.

شرکت زنان در نماز جمعه دارای ثواب جماعت است.

خودداری از شرکت در نماز عبادی سیاسی جمعه به صورت دائم، وجه شرعی ندارد و اگر ترک حضور و شرکت نکردن در آن به خاطر اهمیت ندادن به آن باشد شرعاً مذموم است.

کسی که در نماز جمعه شرکت نکرده است می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند و واجب نیست صبر کنند تا نماز جمعه تمام شود.

کیفیت نماز جمعه

نماز جمعه دو رکعت است. مانند نماز صبح. مستحب است که حمد و سوره با صدای بلند خوانده شود. و در رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون.

نماز جمعه دارای دو قنوت است. قنوت اول قبل از رکوع رکعت اول و قنوت دوم پس از رکوع رکعت دوم می‌باشد.

نماز جمعه دارای دو خطبه است که قبل از نماز مانند اصل نماز واجب بوده و باید توسط امام جمعه ایراد شود. بدون این دو خطبه نماز جمعه محقق نمی‌شود.

هرگاه کسی به خطبه‌های نماز جمعه نرسد و در نماز شرکت کند نماز او صحیح است حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک نماید.

احکام روزه

روزه: خودداری از خوردن و آشامیدن و برخی کارهای خاص دیگر از اذان صبح تا اذان مغرب به انگیزه پیروی از فرمان خدا است. روزه جزو فروع دین، برترین عبادات و از ارکان پنج‌گانه اسلام بوده و در ادیان پیش از اسلام نیز به روش‌هایی وجود داشته است.

در منابع دینی برای روزه آثار اخلاقی و معنوی متعددی بیان شده است؛ از جمله: کسب تقوا، سپر آتش دوزخ، کفاره گناهان، زکات بدن، عامل دوری از شیطان. همچنین روزه‌داری آثار جسمی و روانی همچون کاهش اضطراب و افسردگی، افزایش عزت نفس و پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی است.

روزه از نظر فقهی بر چهار قسم واجب، مستحب، مکروه و حرام بوده و روزه ماه رمضان از روزه‌های واجب به شمار می‌رود.

مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن، آمیزش جنسی، دروغ بستن بر خدا، پیامبر(ص) و امامان(ع)، رساندن غبار غلیظ به حلق، باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس، خودارضایی، فرو بردن تمام سر در آب و استفراغ کردن، مبطلات روزه هستند. کسی که روزه بر او واجب است، اگر آگاهانه یکی از مبطلات آن را انجام دهد، قضای روزه و کفاره بر عهده او است.

تذکر: اگر انسان عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه او باطل است. اما اگر از روی عمد نباشد (سهواً) اشکال ندارد.

کفاره روزه

کسی که عمداً وبدون عذر شرعی روزه خود را باطل می کند یکی از این سه کفاره را

باید انجام دهد:

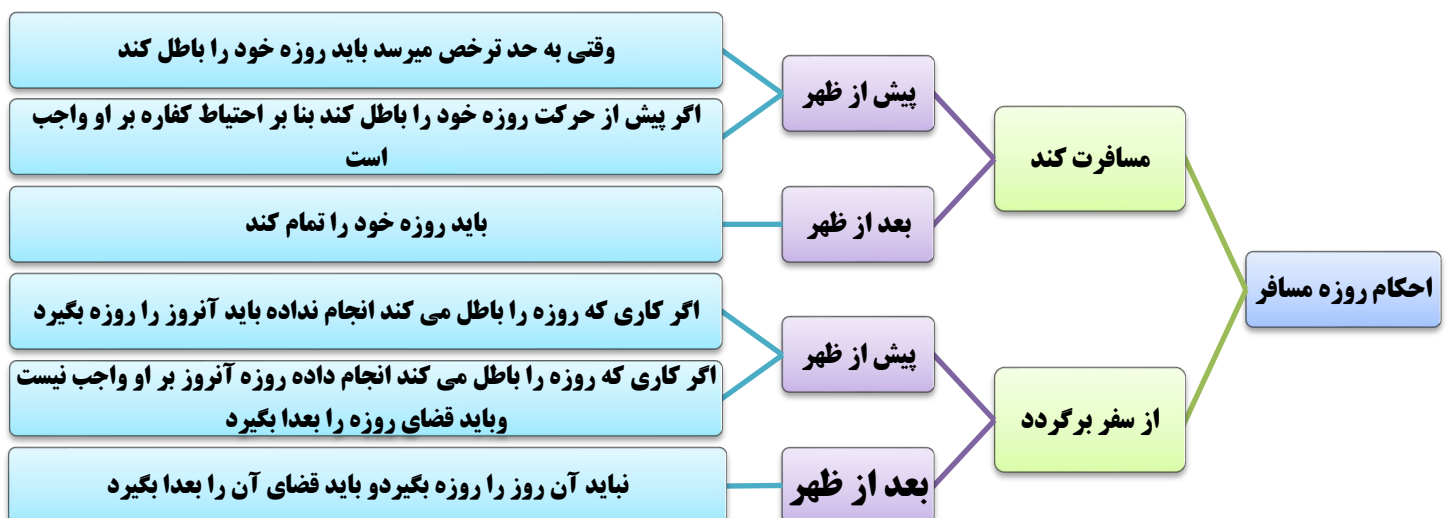


تذکره: اگر اینها برایش ممکن نباشد هر چند مد که میتواند به فقیر اطعام کند. اگر نتواند طعام دهد باید استغفار کند. بنا بر احتیاط واجب هر وقت توانست کفاره دهد.

احکام روزه مسافر

مواردی که روزه در مسافرت صحیح است

۱. اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد
۲. سه روز روزه مستحبی گرفتن در شهر مدینه منوره
۳. کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است اگر در سفر روزه بگیرد و تا مغرب نفهمد



انواع روزه

روزه به انواع مختلف تقسیم می‌شود روزه واجب، روزه حرام، روزه مکروه، روزه مستحب که در زیر روزه‌های واجب و حرام بیان می‌شود



احکام خمس

خُمس در اصطلاح شرع، حقی است که خروج آن از مال، واجب بوده و به دو قسمت تقسیم می‌شود که یک قسمت آن سهم امام علیه السلام است و قسمت دیگر آن سهم سادات می‌باشد
انسان تا خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد

موارد وجوب خمس



زکات فطره

زکات فطره مالی است که واجب است در روز عید فطر به فقیران پرداخت شود یا صرف اموری دیگر شود مقدار زکات فطره ماه رمضان برای هر نفر ۳ کیلوگرم از خوراک معمول خانواده مانند گندم و یا برنج است که معادل پولی آن را می شود پرداخت کرد.

زکات فطره بر کسی واجب است که موقع غروب شب عید فطر (آخر ماه رمضان) ویژگی های زیر را داشته باشد



سرپرست خانواده باید فطره خود و همه افرادی که تحت سرپرستی او هستند را پرداخت کند (حتی طفل شیر خوار)

امر به معروف ونهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می رود، و افرادی که این فریضه بزرگ الهی را ترک می کنند یا در برابر آن بی تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنها است. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می آید.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط تکلیف ساقط است و آنها عبارتند از:

۱. علم به معروف و منکر

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، علم به معروف و منکر است یعنی امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه نباید چنین کاری بکند؛ زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به منکر و نهی از معروف کند، بنابراین نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی که گوش می‌دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال) تنها واجب بلکه جایز هم نیست.

۲. احتمال تأثیر

شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است یعنی امر و نهی کننده باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه‌ی ولو در آینده دارد. توجه:

اگر برای مسئولین به طور قطعی ثابت شود که بعضی از کارمندان ادارات در خواندن نماز کوتاهی کرده و یا اصلاً نماز نمی‌خوانند و نصیحت و راهنمایی هم تأثیری نداشته باشد واجب است از تأثیر مداومت بر امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن غفلت نکنند، و در صورت ناامیدی از تأثیر امر به معروف نسبت به آنان، اگر بر حسب مقررات قانونی محروم ساختن این گونه افراد از مزایای شغلی مجاز باشد باید در مورد آنان اجرا شود و به آنان تذکر هم داده شود که این محرومیت بر اثر سستی و کوتاهی‌شان در انجام این فریضه‌ی الهی اتخاذ شده است.

۳. اصرار بر گناه

شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر اصرار بر گناه است یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار گناه، اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون این که امر و نهی شود خود از خطا دست بر می‌دارد یعنی معروف را به‌جا می‌آورد و منکر را ترک می‌کند امر و نهی او واجب نیست.

۴. نداشتن مفسده

شرط چهارم امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن مفسده است یعنی باید امر و نهی مفسده نداشته باشد، بدین ترتیب اگر امر و نهی موجب شود به شخص امر و نهی کننده و یا به مسلمان دیگر مفسده‌ی از قبیل ضرر جانی و یا آبرویی و یا مالی برسد، در این جا امر و نهی واجب نیست. البته مکلف موظف است ملاحظه‌ی اهمیت

را بکند یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده‌ی امر و نهی و مفسده‌ی ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهمتر است عمل نماید.

احکام قرآن

چهار سوره در قرآن سجده واجب دارد



(سوره سجده آیه ۱۵ - سوره فصلت آیه ۳۷ - سوره نجم آیه ۶۲ - سوره علق آیه ۱۹)

- اگر به آیه‌ی سجده‌یی که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود، گوش دهد سجده واجب است.
- در سجده‌ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌تواند بر آنها سجده کند، ولی دیگر شرایط سجده‌ی نماز، مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن و امثال آن در این سجده لازم نیست.
- در سجده‌ی واجب قرآن، گذاشتن پیشانی بر زمین کافی است و لازم نیست در آن ذکر گفته شود، ولی گفتن ذکر در آن مستحب است

احکام پوشش

۱- لباس شهرت

لباسی که پوشیدن آن به خاطر رنگ، کیفیت دوخت، مندرس بودن یا علل دیگر، مناسب نیست، به طوری که اگر پوشیده شود توجه مردم جلب و صاحب لباس انگشت‌نما شود، لباس شهرت و پوشیدن آن حرام است.

۲- حکم لباسی که ترویج فرهنگ کفر و شرک است

الف) پوشیدن هر نوع لباسی که ترویج فرهنگ ضد اسلامی است، حرام است.
 ب) پوشیدن لباس‌هایی که روی آن حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، به خودی خود ایراد ندارد. اما اگر ترویج فرهنگ ضد اسلامی شود، حرام است و تشخیص آن به عهده عرف است.
 ج) مجرد اینکه لباسی از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، دلیل بر حرمت استفاده از آن نیست.
 د) استفاده از کروات و سایر پوشش‌های غیر اسلامی، اگر منجر به ترویج فرهنگ غربی و ضد اسلامی شود، حرام است.

ه) پوشیدن لباسی که روی آن تبلیغ شراب وجود دارد، حرام است.
 و) واردات و خرید و فروش لباس‌هایی که ترویج کننده فرهنگ غرب و ضد اسلام است، حرام است.

۳. پوشش در مقابل نامحرم

الف) پوشش زن

پوشش زن در مقابل نامحرم باید به گونه‌ای باشد که:

- ۱- به جز گردی صورت و مچ دست به پایین (بدون آرایش و زیورآلات) آشکار نباشد.
- ۲- برجستگی‌ها و زیبایی‌های بدن زن، با وجود پوشیدن آن، آشکار نباشد.
- ۳- رنگ و خصوصیات آن به گونه‌ای نباشد که جلب توجه کند و موجب تحریک اطرافیان شود.
- ۴- اگر صدای کفش زنان هنگام راه رفتن، موجب جلب توجه و تحریک نامحرم یا مترتب بر مفسده نشود، اشکال ندارد.
- ۵- برای زنان پوشیدن لباس‌های تنگ یا بدن‌نما در عروسی‌ها و مانند آن، اگر از نگاه مردان نامحرم یا از ترتب مفسده یا تحریک اطرافیان در امان هستند، جایز است.

- ۶- اگر پوشیدن کفش سیاه براق، موجب جلب توجه نامحرم یا انگشت‌نما شدن او شود، حرام است.
- ۷- حکم لباس، مقنعه و پیراهن، از نظر رنگ، مانند کفش است.
- ۸- اگر تاتوی ابرو عرفاً زینت محسوب شود باید پوشانده شود. اما کسانی که ابرویشان از بین رفته و فقط یک ابروی معمولی و بدون زیبایی خاصی را تاتو می‌کنند یا قسمت‌های از بین رفته لابه‌لای ابروان خود را ترمیم می‌کنند، به طوری که عرفاً زینت و آرایش (حتی جزئی) حساب نمی‌شود، پوشاندن آن لازم نیست.
- ۹- هرگونه زیور، حتی حلقه ازدواج یا آرایش معمولی ابرو باید پوشانده شود.
- ۱۰- پوشاندن بینی جراحی شده برای زیبایی واجب نیست.
- ۱۱- دختری که ازدواج کرده با دختری که ازدواج نکرده، در احکام فوق تفاوتی ندارد.
- ۱۲- زدن عطر یا کرم‌های ضد آفتاب، به خودی خود، جایز است؛ مگر آنکه موجب جلب توجه نامحرم شود، لذا باید از کنار مردان عبور نکنند.

ب) پوشش مردان

- ۱- پوشش مرد در مقابل زن باید به گونه‌ای باشد که موجب مفسده نشود.
- ۲- پوشیدن لباس آستین کوتاه به خودی خود جایز است، مگر اینکه مفسده‌ای داشته باشد.

روابط زن و مرد

اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا -در خیابان، در اداره، در تجارتخانه- داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن رعایت شود، همه‌ی کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌ی اجتماعی انجام دهند، زنان هم اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصتش را داشته باشند می‌توانند انجام دهند. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسؤولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است.

گفتگو

برای مردان و زنان شایسته است اولاً، در غیر موارد ضروری، با نامحرم ارتباط کلامی کمتری داشته باشند تا قلب آنان از وسوسه‌های شیطانی محفوظ‌تر باشد. ثانیاً، در مواردی که سخن گفتن به هر دلیل برای زن یا مرد ضرورت دارد و مجاز به ارتباط گفتاری با نامحرم است، به طور متعارف سخن بگویند و از ادای کلمات به طریزی که مخاطب را نسبت به مسائل جنسی به طمع بیندازد پرهیز کنند. ثالثاً، از پرگویی و پرداختن به سخنان طنز و شوخی، که ضرورتی ندارد، پرهیز شود.

نگاه

به طور کلی نگاه از دیدگاه اسلام، به دو صورت مجاز و غیر مجاز یا حلال و حرام قابل تقسیم است. نگاه مجاز یا حلال، نگاهی است که در صورت وقوع، گناهی را متوجه فرد نساخته و در برخی موارد، موجب کسب فضیلت و ثواب نیز می‌گردد. اما نگاه غیر مجاز یا حرام، نگاهی است که به دلیل عواقب شوم و ناپسندی که در پی دارد، گناه شمرده شده و فاعل آن مرتکب عمل حرام گردیده است.

در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به فرو بستن چشم از نگاه به نامحرم و آنچه خدا حرام کرده، دستور داده شده است. در روایتی از امام صادق (ع) نگاه به نامحرم تیری مسموم از تیرهای شیطان عنوان شده و فیض کاشانی در کتاب محجۃ البیضاء و ملا محمد مهدی نراقی در کتاب جامع السعادات نگاه به نامحرم را کفران نعمت چشم دانسته‌اند.

نگاه‌های مجاز

نگاه‌های مجاز از دیدگاه اسلام شامل موارد زیر است: نگاه مرد به زن با قصد ازدواج، نگاه زن به مرد خواستگار، نگاه برای شهادت دادن، تعلیم و تعلم، معامله، ضرورت، معالجه، نگاه به زنان از کار افتاده، اهل ذمه، کافر، روستایی و صحرائشین، نگاه به زنان بی قید و بد پوشش، نگاه اول و ناخواسته و نگاه به محارم.

دوستی با نامحرم

دوستی زن و مرد نامحرم، نامه نگاری و تماس تلفنی با یکدیگر از نظر همه‌ی مراجع حرام است.

وعده و قرار با چنین دوستانی حرام و سفر برای دیدار آن‌ها سفر معصیت است؛ باید در چنین سفرهایی نماز را کامل خواند. قرآن می‌فرماید: «لَا تَوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا؛ پنهانی با آن‌ها قرار نگذارید».

وساطت در دوستی‌های نامشروع نیز حرام است

دوستی با نامحرم از نظر قرآن حرام است؛ چه با اطلاع و اجازه‌ی پدر باشد و چه بدون اجازه‌ی وی، چه با هدف ازدواج باشد و چه نباشد، چه دوستی با نامحرم فامیل باشد چه غریبه، چه قصد بدی در کار باشد، چه نباشد و چه با انگیزه‌های خیرخواهانه باشد، همچون راهنمایی دیگران، آموزش علمی، رفع افسردگی، چه نباشد، چه در محیط کاری با همکاران باشد و چه در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی.

تماس بدنی با نامحرمان

برخورد دست زن به دست مرد نامحرم و یا برعکس، هنگام پول دادن در خرید و فروش‌ها، ولو در حد برخورد انگشتان دست حرام است.

هرکس که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست؛ تماس بدنی با ایشان حرام است.

هنگام ضرورت و ناچاری مثل معالجه، نجات غریق و... تماس اشکالی ندارد؛ ولی باید به حد ضرورت اکتفا کرد.

تماس بدنی با
نامحرم

چهار نکته درباره‌ی زینت در برابر نامحرم

هر چیزی که عرفاً زینت حساب شود، باید از دید نامحرم پوشیده شود؛ چه به قصد زینت باشد و چه نباشد، چه زیبا باشد یا نباشد.

آرایش و زینت در برابر مرد نامحرم حرام است

مصادیق زینت عبارت‌اند از: النگو، دست‌بند، گردن‌بند، لاک‌زدن، سرمه کشیدن، استفاده از هر نوع لوازم آرایشی و...

احکام فضای مجازی

استفاده از شبکه های اجتماعی و مانند آن اگر مستلزم مفسده بوده و یا خوف ارتکاب گناه باشد و یا موجب تقویت دشمنان اسلام و مسلمین شود و یا خلاف قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد جایز نیست

حکم استفاده از فیلتر شکن : این گونه امور تابع قوانین و مقررات مربوطه می باشد و تخلف از آن جایز نیست .

اگر کسی در اینترنت دیگران را به تولید و انتشار محتویات مستهجن یا تصاویر خصوصی دیگران تشویق کند، این کار منکر و حرام است.

گفتگوی زن و مرد نامحرم در فضای مجازی و چت کردن با جنس مخالف و صحبت با نامحرم به شکل صوتی، تصویری یا نوشتاری و نیز فالو و لایک کردن جنس مخالف ، اگر با قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد اشکال دارد.

گذاشتن عکس بی حجاب بر روی پروفایل برای بانوان جایز نیست. گذاشتن عکس محجبه از سوی بانوان در فضای مجازی در صورتیکه مستلزم مفسده گردد جایز نیست.

استفاده شخصی از اینترنت (اموال بیت المال) در محل کار جایز نیست. مگر با اذن مسئولی که شرعاً و قانوناً چنین حقی دارد.

ورود به حریم افراد در فضای مجازی جایز نیست.

فصل چهارم: اخلاق

تعریف اخلاق

صفات راسخ و پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند.

خُلُق عبارت است از ملکه ای نفسانی که باعث صدور افعال به گونه ای آسان و بدون نیاز به تفکر و تأمل و نگرش است.

اهمیت اخلاق

اخلاق از مهم ترین مباحث قرآنی است و اهمیت و جایگاه آن بر کسی پوشیده نیست. علم اخلاق و مسائل مربوط به آن، از مهم ترین و با ارزش ترین مباحث علوم دینی است و در اسلام بر آن تاکید فراوان شده است. در اهمیت و جایگاه اخلاق و مسائل مربوط به آن، همین بس که تزکیه و تربیت انسان از اهداف مهم بعثت رسولان عظیم الهی در طول تاریخ زندگی بشر بوده است؛ چنان چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی فرمود. «أَتَمَّ بُعِثْتُ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»^۱ و حضرت علی علیه السلام فرمود «لَوْ كُنَّا لَا تَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نارًا وَلَا نُوَابِئًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَبْغَى لَنَا أَنْ نُطَالِبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ»^۲ اگر ما امیدی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، [باز هم] شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ چون که آنها راهنمای نجات و موفقیت هستند. از سوی دیگر، اخلاق به عنوان یکی از سه پایه اساسی معارف دینی، در کنار عقاید و احکام، مطرح است و شیوه صحیح زندگی را به انسان‌ها می‌آموزد و سیر و حرکات آنان را به سوی کمال مطلق تنظیم می‌کند.

قرآن به مفاهیم اخلاقی چون خیر و شر، عدل و ظلم، صبر و احسان توجه فراوان دارد. اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان که از اهداف دین است، تنها در پرتو مجموعه خاصی از دستورهای اخلاقی، تأمین می‌شود. به همین دلیل می‌توان گفت که دین، بدون اخلاق، نمی‌تواند به اهداف خود برسد و سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند بخش عمده مفاهیم اخلاقی در حوزه اخلاق اجتماعی است؛ پاره‌ای از مفاهیم اخلاق نیز جز اخلاق فردی به شمار می‌آید؛ برخی از آنها عبارت است از:

۱ - طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۵۰۰

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۳

صفات ممتاز اخلاقی (اخلاق پسندیده اجتماعی)

امانت‌داری: از خصلت‌های بسیار زیبا و پسندیده، امانت‌داری و بازگرداندن به موقع و همراه با حفظ سلامت امانت است.

رأفت: به معنای نرم‌دلی و مهربانی، یکی از فضایل نفسانی و صفات پسندیده است که در قرآن و روایات آن را ستوده اند.

مسئولیت‌پذیری: صفت مسئولیت‌پذیری زیرساخت کمالات و فضایل اجتماعی دیگری به حساب می‌آید که در صورت دارا بودن این صفت می‌توان به آن کمالات دسترسی پیدا کرد.

وفای به عهد و پیمان: عهد و پیمان از قوانین بین‌المللی اسلام می‌باشد و هیچ کس حق ندارد به عهدش بی‌وفایی کند، حتی نسبت به کفار. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند در سه چیز، بر هیچ کس رخصتی نداده است یکی از آن سه چیز وفای به عهد در مورد نیکوکاران باشد یا اهل گناه

رازداری: رازداری و محافظت از اسرار خویش و همچنین اسرار دیگران که به عنوان امانت در اختیار انسان قرار دارد، یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین فضائل اخلاقی در بُعد فردی و اجتماعی به حساب می‌آید.

راستگویی: صداقت و راست‌گویی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد و در قرآن و روایات فراوان به آن سفارش شده است. اسلام دین دعوت به فطرت انسانی است و فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش یک‌سو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند.

حسن خلق: حسن خلق به معنای خاص عبارت است از خوش‌رویی، خوش‌رفتاری، حسن معاشرت و برخورد پسندیده با دیگران

انصاف: انصاف از مباحث علم اخلاق و به معنای عدالت‌ورزی بوده و از بالاترین و والاترین کمالات و فضائل اخلاقی و بهترین صفت است.

تواضع: از فضایل اخلاقی و به معنای فروتنی در برابر دیگران است و ضد آن «تکبر» و خودپسندی می‌باشد. در قرآن و روایات، تواضع یکی از صفات بارز انسان‌های مؤمن شمرده شده و آثار نیکویی برای آن بیان گردیده است.

حسن ظن: به معنی گمان نیکو؛ مردم باید در معاشرت خود نسبت به یکدیگر «حسن ظن» داشته باشند، هرچند رعایت اعتدال و احتیاط در این مورد لازم است.

عفت: عفت یا پاکدامنی از فضائل اخلاقی و حالتی در وجود انسان است که آدمی را از انجام محرمات باز می‌دارد.

سَخاوت و بخشش: به معنی بذل و بخشش در امور مالی یا غیرمالی می‌باشد. سخاوت یک حالت نفسانی است که انسان را بر آن می‌دارد بدون منع درونی احسان و انفاق نماید. «سَخاوت» از فضایل اخلاقی است که دین اسلام بسیار بر آن تأکید نموده است.

نظم و انضباط: مایه پیشرفت کارها، رشد دهنده و تعالی بخش هر امری و موجب ترقی آن‌ها است و در آموزه های دینی نیز بسیار به آن تأکید شده است.

شفقت و دلسوزی: یعنی ملاطفت و مراحمت در حق غیر

شجاعت: به معنای دلیری و دلاوری است که در علم اخلاق آن را حد وسط بی‌باکی و ترس قرار داده‌اند؛ شجاعت یکی از چهار فضیلت اخلاقی برتر در آیات و روایات شمرده شده است.

صفات اخلاقی ناپسند اجتماعی

دروغ: به معنای بیان چیزی خلاف واقع و با علم به نادرست بودن آن است. در دین اسلام دروغ یکی از گناهان کبیره به شمار می‌رود.

غیبت: یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود، و به این معنی است که شخصی عیب دیگران را پشت سر آنها (در «غیاب» آنها) بازگو کند.

تهمت: به معنای نسبت دادن کارهای ناروا یا صفت نادرست به کسی از روی دروغ می‌باشد. در اسلام نسبت دادن سخن یا فعل ناحق به دیگری که موجب آبروریزی می‌شود، یکی از گناهان کبیره زبانی و حرام است. تهمت در برخی از مصادیق آن، جرم نیز تلقی شده و احکام قانونی چون حد و تعزیر بر آن بار می‌شود.

سخن چینی: یکی از آفات زبان که در اخلاق اسلامی از رذایل اخلاقی به شمار می‌رود، سخن چینی یا نمّامی است. سخن چینی غالباً به این گفته می‌شود که سخن کسی را که پشت سر دیگری گفته به وی بازگوید، مثلاً بگوید فلانی درباره تو چنین و چنان گفت! یا نسبت به تو چنین و چنان کرد، و بدین سان نوع خاصی از افشاء سرّ و پرده‌داری و متضمن بدگوئی و سعایت است.

رشوه: چیزی است که به کسی بدهند تا کاری برخلاف وظیفه خود انجام دهد، یا حق کسی را ضایع کند و یا حکمی برخلاف حق و عدالت بدهد. رشوه از جمله مواردی است که در قرآن کریم و احادیث و نیز در منابع فقهی حرام اعلام شده و از آن نهی گردیده است.

فحش و ناسزا: از جمله آفات زبان و استفاده‌های غیرصحیح از آن، «فحش و ناسزاگویی» به معنای گفتار زشت نسبت به دیگران است. در روایات ضمن نکوهش ناسزاگویی، از آن نهی شده و آثار بدی برایش بیان گردیده است.

تکبر: از رذایل اخلاقی و به معنای خود را برتر و بالاتر از دیگران دانستن است. تکبر، آثار و پیامدهای مخربی در روح و افکار افراد و نیز در سطح جوامع انسانی دارد و متکبران در قرآن و احادیث نکوهش شده‌اند.

سوء ظن: یکی از صفات رذیله و ناپسندی که در انسان‌ها وجود دارد «سوء ظن» است. سوء ظن یعنی این که انسان نسبت به دیگران گونه‌ای بدگمانی و بدبینی داشته باشد.

و به تعبیری به همه چیز با عینک بدبینی بنگرد، بطوری که گفتار و کردار دیگران را در اکثر موارد حمل بر جهت منفی کند، مثلاً اگر کسی به او ابراز محبت کند، او با خود می‌گوید حتماً این شخص در صدد سودجویی و سوءاستفاده از من است؛ و بدگمانی‌ها و بدبینی‌هایی از این قبیل. سوء ظن مفسد زیادی به دنبال دارد که قرآن مجید و ائمه معصومین علیهم السلام از آن نهی کرده‌اند.

اخلاق در قرآن

حکمت که در دوره پیش از اسلام نزد عرب به مفهوم خرد اخلاقی بود، در قرآن کریم نیز همان معنی را حفظ کرده، و با نگرشی ستایش‌آمیز از آن یاد شده، و آمده است که خداوند به لقمان حکمت عطا کرده است.

در قرآن کریم به هنگام سخن گفتن از آنچه خداوند به پیامبران خود عطا کرده، بارها «حکمت» در عرض «کتاب» آمده و در تبیین اهداف رسالت نیز همواره تعلیم حکمت در کنار آموختن کتاب جای گرفته است.

همچنین واژه تزکیه که به معنی پاک کردن نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل اخلاقی آمده است، در آیاتی چند از قرآن کریم در کنار تعلیم کتاب و حکمت، از اهداف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شمرده شده، و جز در یک آیه از سوره بقره، همواره تزکیه بر تعلیم مقدم شده است.

همچنین در آیاتی سخن از آن رفته که تزکیه مایه رستگاری انسان در حیات اخروی است. بر این پایه، پیش از هر سخن باید به این حقیقت توجه کرد که آراستن مردم به اخلاقی شایسته، از جمله اهداف اصلی در تعالیم قرآنی و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

اخلاق در فضای مجازی

دنیای مجازی شکل دیگری از دنیای واقعی است که دارای عناصر اولیه‌ی مشترکی هستند و تنها چگونگی، جنس و نقش این عناصر با یکدیگر متفاوت می‌شود. در عصر حاضر، کارکرد و اهمیت فضای مجازی بر هیچ کس پوشیده نیست؛ این فضا در کنار محاسن اخلاقی، مشکلات اخلاقی نیز به دنبال داشته است. بهترین روش مواجهه با مشکلات اخلاقی ناشی از فضای مجازی، روش فعالانه و خردمندانه است؛ در این روش، ضمن پذیرفتن حقایق فضای مجازی، سعی می‌شود محیط آن از رذایل اخلاقی پاک شود و ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات در این فضا احیا شوند. ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی، ثابت و همه‌زمانی و همه‌مکانی است و ایمان شرط ضروری برای احکام اخلاقی است که هیچگاه نمی‌توان از آن تخطی کرد؛ چه در دنیای واقعی و چه مجازی، تهمت به افراد حقیقی و حقوقی، تجاوز به حریم خصوصی، دروغ‌گویی، سوءاستفاده از اعتماد دیگران و... اموری غیر اخلاقی بشمار می‌روند.

بایدها و نبایدها اخلاقی فضای مجازی

فضای مجازی امتداد فضای واقعی بوده و مخاطبان آن نیز انسان هستند و لذا بسیاری از اصول و قواعد اخلاقی حاکم در جامعه، در این فضا نیز باید حاکم و جاری باشد. پس باید به همه قواعد و اصول اخلاقی و نزاکت و ادب انسانی در فضای مجازی نیز تمکین کنیم.

باید برای پرهیز از ساختار شکنی و بی اخلاقی در این فضا، چارچوبی را برای خود تعیین کنیم. نباید اجازه دهیم ویژگی جویندگی و برانگیختگی در هنگام کنشگری ما را به شکستن حریم‌های اخلاقی ترغیب کند.

نباید تحت تاثیر برخی رفتارهای به ظاهر مدرن و ترقی خواهانه‌ی برخی کنشگران، مرتکب کنش‌های غیر اخلاقی شویم.

باید در این فضا در انتخاب شبکه، کانال، مخاطب هشیارانه عمل کنیم و از اثر بخشی مطالب و آموزه‌های ارسالی اطمینان حاصل کنیم.

باید در استفاده از سبک نوشتاری یکسان با مخاطبان غیر هم‌آل، غیر هم جنس و غیر هم سطح پرهیز کنیم. اگر برای برخی کاربران، گروه مرجع به شمار می‌آییم، بواسطه جلب اعتماد آنان در بازگویی سئوالات و دغدغه‌هایشان نباید خود را در قالب متخصصی همه چیز دان معرفی کنیم و مشاوره‌های غیر کارشناسانه دهیم. در برقراری ارتباطات عاطفی، بویژه با جنس مخالف باید از تحریک عواطف و احساسات مخاطبان گرفتار و وامانده اجتناب کرده و آنان را به مراجع یا افراد ذیصلاح و متخصص ارجاع دهیم.

باید از انتشار هر گونه مطلبی که شائبه افتراء، تهمت، غیبت و منکری در این فضا است بشدت احتراز کنیم.

باید از نشر و بازپخش هر مطلب و مبحثی که سودآور نبوده و یا تنها از باب احتجاج باطل و یا غلبه بر مخاطبی در فضای عمومی قابل انعکاس است اجتناب کنیم.

باید از دستکاری اطلاعات (کم و زیاد کردن و تغییر مضامین) و مطالب منتشره دیگران و حذف متعمدانه بخش‌هایی از آن بگونه‌ای که برداشت دیگری از محتوای آن بشود پرهیز کنیم.

باید از انتشار هرزنامه و تصاویر مستهجن و خشونت بار و تشویش کننده اجتناب کنیم.

باید از نشر هر گونه مطلب بدون نقل منبع و یا تصویر بدون کسب اجازه از افراد ذیحق (حتی فرزندانمان) پرهیز کنیم.

نباید مطالب و اخبار غیر واقع و کذب را با هدف تخریب و تشویش اذهان و افکار عمومی منتشر کنیم.

باید کلیه رفتار و کنشگری‌هایمان در فضای مجازی را براساس منطق، وجدان، وارزش‌های عرفی و انسانی تنظیم کنیم.

فصل پنجم: آگاهی سیاسی

گفتار اول: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی

شیوه حکومت در اسلام

تمام امت‌ها و نحل‌ها اعم از یونانی‌ها، هندوها و ایرانیان چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام حکومت را در جامعه امری ضروری تلقی کرده و معتقدند که جامعه، بدون حکومت نمی‌تواند جامعه‌ای پایدار باشد. حکومتی که مرجعیت همه جانبه دین را در عرصه حکومت و اداره جامعه پذیرفته است، حکومت دینی نام می‌گیرد. در این نظام دولت و نهادهای گوناگون آن خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهبی خاص متعهد می‌دانند و تلاش می‌کنند تا در تدابیر و تعلیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکل‌های روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در تمام شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام گیرند و آنها را با دین هماهنگ سازند. بر اساس این تعریف حکومت دینی به دنبال تأسیس «جامعه دینی» است؛ یعنی می‌خواهد کلیه روابط اجتماعی را، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بر اساس آموزه‌های دینی شکل دهد.

اصول کلی ساختار نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی

اصل دوم:

جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریع.
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج - نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

اصل ششم:

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور با اتکاء به آراء عمومی اداره می‌شود. از طریق انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی، در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل دوازدهم:

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزده:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می‌کنند.

ولایت فقیه عادل

اصل پنجم:

در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

انتخاب رهبر

اصل یکصد و هفتم:

پس از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم

است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط بررسی و مشورت می‌کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

شرایط و صفات رهبر:

اصل یکصد و نهم:

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.
 - ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
 - ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.
- در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

وظایف و اختیارات رهبر:

اصل یکصد و دهم:

- ۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.
- ۳- فرمان همه‌پرسی.
- ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح.
- ۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.
- ۶- نصب و عزل و قبول استعفاء: الف- فقهای شورای نگهبان. ب- عالی‌ترین مقام قوه قضائیه. ج- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. د- رئیس ستاد مشترک. ه- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- و- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
- ۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه.
- ۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۹- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
- ۱۰- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه. رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

مجلس خبرگان رهبری

در اصول ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱ و ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نام خبرگان رهبری ذکر شده است. اصل ۱۰۷ انتخاب رهبری را وظیفه خبرگان می‌داند و بر اساس اصل ۱۰۸ تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و تنظیم آیین‌نامه داخلی جلسات آنان در صلاحیت خود خبرگان قرار گرفته است. وظیفه اصلی مجلس خبرگان رهبری انتخاب رهبر جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر عملکرد او است. هر دوره این مجلس هشت سال است و اعضای آن را مردم انتخاب می‌کنند این انتخابات به صورت استانی برگزار می‌شود. شرط حضور در آن داشتن توانایی اجتهاد است. تعداد نمایندگان مجلس خبرگان ۸۸ نفر است. این مجلس نخستین بار در سال ۱۳۶۲ شمسی تشکیل شد. مجلس خبرگان بعد از درگذشت امام خمینی در ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ شمسی آیت الله سید علی خامنه‌ای را برای رهبری جمهوری اسلامی انتخاب کرد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام

اصل صد و دوازدهم:

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید. اعضا معمولاً متشکل از دو گروه حقوقی و حقیقی هستند. اعضای حقوقی عبارتند از: روسای سه قوه، فقهای شورای نگهبان، وزیر یا رئیس دستگاه مرتبط با موضوع مورد بحث و رئیس کمیسیون مربوط به موضوع بحث از مجلس شورای اسلامی

شورای نگهبان

اصل نود و یکم:

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی،

از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

وظایف شورای نگهبان

وظایف شورای نگهبان به شرح زیر است.

- ۱- بررسی کلیه مصوبات شورای اسلامی (اصل ۹۴)
- ۲- تفسیر قانون اساسی (اصل ۹۸)
- ۳- تشخیص عدم مغایرت و عدم تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی (اصل ۹۶)
- ۴- نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی (اصل ۹۹)

اصل پنجاه و هفت:

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

قوه مقننه

اصل شصت و دوم:

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سوم:

دوره نمایندگی در مجلس چهار سال است و انتخابات دوره جدید باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود. علت این موضوع آن است که مجلس شورای اسلامی در هیچ برهه‌ای از زمان، بدون اعضا نباشد. قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران، نهادی است که ریشه در آراء عمومی دارد و مطابق قانون اساسی، سهم قابل توجهی از حاکمیت را در نظام سیاسی کشور اعمال می‌نماید. در این قوه پس از برخورد اندیشه‌ها، مذاکرات، تبادل افکار و در نهایت کسب اکثریت آراء، برنامه زندگی مردم به صورت مجموعه مدونی در مجرای اجرا قرار می‌گیرد.

به بیان دیگر وضع قانون در اختیار مجلس است و هر قاعده‌ای که با تشریفات لازم به تصویب قوه قانون گذاری برسد، خواه مربوط به عموم مردم باشد، خواه مرتبط با شخص معین، قانون نامیده می‌شود لازم به ذکر است که گرچه قانونگذاری در ایران به‌طور معمول با مجلس شورای اسلامی است اما در خصوص مسائل مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه به آراء عمومی انجام شود، که البته این امر نیز منوط به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان است.

اختیارات و مسوولیت‌های مجلس شورای اسلامی



قوه مجریه

قوه مجریه یکی از قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران است که زیر نظر ولایت امر بر طبق قانون اساسی ایجاد شده است.

ریاست جمهوری

اصل یکصد و سیزدهم:

پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در امور که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

شرایط ریاست جمهوری

اصل یکصد و پانزدهم:

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

مدت دوره ریاست جمهوری

اصل یکصد و چهاردهم:

دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبار نامه بوسیله مقام رهبری آغاز می‌گردد. انتخاب مجدد رئیس جمهور بصورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

وظایف و اختیارات رئیس جمهور

- ۱- اجرای قانون اساسی (اصل ۱۱۳)
- ۲- ریاست هیأت وزیران (اصل ۱۳۴)
- ۳- مسوولیت برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی (اصل ۱۲۶)
- ۴- تعیین وزرا و معرفی به مجلس (اصل ۱۳۳)
- ۵- مسوولیت روابط خارجی - انتخاب سفیران و پذیرش استوار نامه سفیران کشورهای دیگر (اصل ۱۲۸)
- ۶- امضاء عهد نامه‌ها - مقاوله نامه‌ها - موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و امضای پیمان‌های مربوطه پس از تصویب مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۲۵)
- ۷- امضای مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی (اصل ۱۲۳)
- ۸- اعطای نشان دولتی (اصل ۱۲۹)
- ۹- تعیین نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص در موارد خاص (اصل ۱۲۷)
- ۱۰- تعیین معاون یا معاونین رئیس جمهور (اصل ۱۲۴)

قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم:

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

نحوه انتصاب ریاست قوه

اصل یکصد و پنجاه و هفتم:

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالترین مقام قوه قضائیه است.

وظایف رئیس قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و هشتم:

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

- ۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم.
- ۲ - تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.
- ۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

شورای عالی امنیت ملی

اصل یکصد و هفتاد و ششم:

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی "شورای عالی امنیت ملی" به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

- ۱ - تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.
- ۲ - هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.
- ۳ - بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. اعضای شورا عبارتند از: رؤسای قوای سه‌گانه - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح - مسئول امور برنامه و بودجه - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری - وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات حسب مورد وزیر مربوط و عالترین مقام ارتش و سپاه. . . . مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.

شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ با فرمان حضرت امام خمینی (رض) به منظور ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور»، «تصفیه‌ی اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای

تدوین علوم اسلامی» تأسیس شد و سپس با تأکید مقام معظم رهبری بر استمرار وجود نهادی که به طور دائم و به صورت مستمر و فعال موضوع فرهنگ و علم را طراحی و برنامه ریزی کند تاکنون ادامه فعالیت داده است. اعضای این شورا با حکم مقام معظم رهبری منصوب می شوند.

وظایف شورا

وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی را می توان در سه حوزه سیاست گذاری، تدوین ضوابط و نظارت تقسیم بندی نمود.

تهیه و تدوین سیاست ها و طرح های راهبردی کشور در زمینه های مختلف فرهنگی از جمله در حوزه های زنان، تبلیغات، اطلاع رسانی، چاپ و نشر، بیسوادی، دانشگاه ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با سایر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوزه های فرهنگی مربوطه از جمله وظایف سیاست گذاری این شورا محسوب می شود. همچنین تعیین ضوابط تأسیس مراکز علمی و آموزشی و نیز ضوابط گزینش مدیران و استادان و دانشجویان از جمله وظایف این شورا می باشد. بررسی و تحلیل شرایط فرهنگی ایران و جهان، بررسی الگوهای توسعه و پیامدهای فرهنگی آن، بررسی وضع فرهنگ و آموزش کشور و نیز نظارت بر اجرای مصوبات شورا از جمله وظایف نظارتی شورای عالی انقلاب فرهنگی می باشد.

گفتار دوم: دستاوردهای انقلاب اسلامی

نگاهی به مهم ترین دستاوردهای انقلاب در بیانات مقام معظم رهبری

چهل و سه سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می گذرد. این انقلاب پدیده ای الهی و مبارک بود که در اواخر قرن بیستم، جهان را به لرزه درآورد و نور امید را در دل مسلمانان و مستضعفان عالم روشن کرد. اکنون پس از گذشت چهار دهه از عمر گرانمایه ای این شجره ی پر امید، نیکوست به بازخوانی برخی دستاوردهای آن پرداخته شود تا برخی نینگارند که به سادگی به بار نشسته و در حفظ آن کوشا تر باشند.

۱- انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت.

۲- ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود، ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانی آمریکائی و اروپائی و شرقی اش را پدید آورد.

۳- موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیر ساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تاکنون ثمرات بالنده آن روز به روز فراگیرتر می شود هزاران شرکت دانش بنیان، هزاران طرح زیر ساختی و

ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل و نقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی، آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل: چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاز به صنعت بومی، برجستگی در صنایع دفاعی، درخشش در عرصه پزشکی و جایگاه مرجعیت و...

۴- مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبار ستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد، پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

۵- بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد.

۶- کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد.

۷- عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد.

۸- نماد پرابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت کار، روز به روز برجسته تر شد.

محصول تلاش چهل ساله ... کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌های گرانها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوا فضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوانان کارآمد، و بسی ویرگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی
- قانون گزینش، آیین نامه اجرایی و مجموعه دستورالعملها و بخشنامه‌ها، هیات عالی گزینش
- کتابچه آموزشی، هیات عالی گزینش، مرداد ۱۳۹۶
- احکام روابط زن و مرد - مقام معظم رهبری
- مسئله حجاب - شهید مطهری، انتشارات صدرا ۱۳۷۹
- پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان ۱۳۹۳
- اصول عقائد، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن ۱۳۸۵
- احکام دین ۱، ۲، ۳، محمد حسین فلاح زاده، صحافی ایمان ۱۳۹۲
- ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۹۳
- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، مسعود معصومی، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ۱۳۸۲
- احکام آموزشی رساله آموزشی سابق منتخبی از رساله حضرت امام خمینی (ره)
- احکام فضای مجازی، صادقی